

المراقبات



مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی (ره)

مترجم : ابراهیم محدث بندرویگی

فهرست مطالب

* تقریظ مرحوم علامه طباطبائی (ره) بر کتاب المراقبات

* مقدمه مترجم

* زندگی مؤلف قدس سره

* مقدمه مؤلف

* فصل اول : مراقبات ماه محرم

* فصل دوم : مراقبات ماه نیک صفر

* فصل سوم : مراقبات ماه ربیع الاول

* فصل چهارم : مهمترین اعمال این ماه

* فصل پنجم : مراقبات ماه ربیع الآخر

* فصل ششم : مراقبات ماه جمادی الاولی

* فصل هفتم : مراقبات ماه جمادی الآخر

* فصل هشتم : مراقبات ماه رجب

* فصل نهم : مراقبات ماه شعبان

* فصل دهم : مراقبات ماه مبارک رمضان

* فصل یازدهم : اعمال شب آخر ماه رمضان

* فصل دوازدهم : مراقبت شب عید فطر

* فصل سیزدهم : مراقبات روز عید فطر

* فصل چهاردهم : مراقبات ماه شوال

* فصل پانزدهم : مراقبات ماه ذی القعدة الحرام

* فصل شانزدهم : اسرار مراقبات ماه ذی حجه

* خاتمه

مصحف بزرگ و گرانقدری داشت که جبرئیل بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را برای او آورده و امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را نوشت. این مصحف نزد فرزندان معصوم او بود و علم آنچه گذشت و آنچه خواهد آمد و آنچه موجود است در او بود؛ چنانچه از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است. خلاصه اینکه درباره فضایل او شیعه و غیر شیعه روایاتی نقل نموده اند که چندین مجلد کتاب بزرگ را پر می کند و این مختصر گنجایش آن را ندارد. و اگر فضیلتی بجز شفاعت او از دوستدارانش نبود همین فضیلت در اثبات حق بزرگداشت او و تولدش باندازه توان برای شیعه کافی بود. زیرا بعضی از حقوق ادا نمی شود گر چه کاری که برای اداء حق انجام شود کامل و تمام باشد.

اعمال مهم این روز

از کارهای مهم در این روز زیارت او، صلوات بر او، و لعنت کردن ظالمین به آن حضرت (علیها السلام) است. و سپس روز خود را مانند امثال این روز به پایان می رساند.

فصل هشتم : مراقبات ماه رجب

شرافت رجب

این ماه بسیار شریفی است به این جهت که :

۱- از ماههای حرام می باشد.

۲- از اوقات دعا می باشد و حتی در زمان جاهلیت به این مطلب مشهور بوده و مردم آن زمان منتظر این ماه بوده تا در آن دعا کنند.

۳- این ماه ، ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می باشد؛ همانطور که در بعضی از روایات آمده است چنانچه شعبان ، ماه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و رمضان ماه خدای تعالی می باشد.

۴- شب اول آن یکی از چهار شبی است که تاءکید به زنده نگهداشتن آن به عبادت شده است.

۵- درباره روز نیمه آن آمده است که محبوبترین روزها نزد خداوند بوده و زمان انجام عمل

((استفتاح)) است که بطور مفصل خواهد آمد.

۶- روز بیست و هفتم این ماه ، مبعث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد.

روزی که زمان ظهور رحمت خداوند است . چیزی که از اول خلقت تا کنون مانند آن دیده

نشده است .

این گوشه ای از فضایل این ماه بود و ما توان فهم تمام فضایل این ماه شریف را نداریم .

ندای ملک داعی و جواب آن

یکی از مراقبتهای مهم در این ماه به یاد داشتن حدیث ((مَلَكٌ داعی)) می باشد که از پیامبر

(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است . پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

فرمود: ((خدای متعال در آسمان هفتم فرشته ای را قرار داده است که ((داعی)) گفته می

شود. هنگامی که ماه رجب آمد، این فرشته در هر شب این ماه تا صبح می گوید: خوشا بحال

تسبیح کنندگان خدا، خوشا بحال فرمانبرداران خدا. خدای متعال می فرماید: همنشین کسی

هستم که با من همنشینی کند، فرمانبردار کسی هستم که فرمانبردارم باشد و بخشنده

خواهان بخشایش هستم . ماه ماه من بنده بنده من و رحمت رحمت من است . هر کسی در

این ماه من را بخواند او را اجابت می کنم و هرکس از من بخواهد به او می دهم و هرکس از

من هدایت بخواهد او را هدایت می کنم . این ماه را رشته ای بین خود و بندگانم قرار دادم که

هرکس آن را بگیرد به من می رسد.))

افسوس از کوتاهی ما در طاعت خدا! کجایند شکرگزاران ! کجایند تلاشگران ! آیا عاقلان توان

فهم حق این ندای آسمانی را دارند! چرا جوابی نمی شنوم ! کجایند عارفانی که می دانند کسی

توان شکر این نعمت را ندارد! کجایند کسانی که اقرار به کوتاهی و عجز دارند که در جواب این منادی آسمانی بگویند: اجابت کرده و یاریت می کنیم درود و سلام بر تو ای منادی خدای زیبا و جلیل ، شاه شاهان ، مهربانترین مهربانان ، خدای بردبار و کریم ، رفیق دلسوز، صاحب عفو بزرگ ، تبدیل کننده بدیهای انسان به خوبیها، اینان بندگانی گناهکار و طغیانگر، پست و اسیر شهوتها و غفلتها می باشند! ای فرستاده بزرگ خدا مردگان بظاهر زنده را صدا می کنی کسانی که قلبهایشان مرده و عقلهایشان جدا و روحهایشان فاسده شده ! چرا مردگان را صدا می زنی ! کسانی که صدای تو سودی به آنان نمی رساند مگر اینکه با ندای تو قلبها زنده شده ، عقلها بازگشته و روحها بیدار شود و درباره ارزش و بهای گران این ندای آسمانی و بزرگی پروردگار و پستی نفس و سختی آزمایش و بدی حال خود بیندیشند. آنان شایسته راندن و دور نمودن و لعنت و عذاب هستند؛ ولی وسعت رحمت پروردگار باعث این دعوت بزرگ شده است ، آن هم با این زبان و بیان لطیفی که بالاتر از تصور انسان و خواسته و آرزوی او است . اکنون با واسطه قرار دادن این ندای آسمانی و لطف بزرگ از خدا می خواهیم ما را موفق به اجابت این دعوت و کرامت بزرگ بدارد.

ای وعده دهنده سعادت ! با خوش آمدگوئی و کمال میل و جانفشانی ندای تو را اجابت می کنیم زیرا ما را به تسبیح کردن مالک کریم خود توجه دادی و ما را ترغیب به اطاعت از مولای مهربان خود کردی و ما را به کرامت پروردگار رساندی . ای منادی ! زبان حال افراد پست پاسخ می دهند که ما را بهره مند ساخته و بزرگ داشتی و دعوت به بزرگترین سعادتها نمودی . پستی و فساد و کوچکی ما کجا و تسبیح و تمجید خدایمان کجا! خاک کجا و خدای خدایان کجا! آلوده به پلیدیها کجا و مجلس پاکان کجا! و اسیر در زنجیر کجا و منزل آزادگان کجا؟ ولی لطف پروردگار باعث شده تا به ما اجازه تسبیح خود را بدهد. و حکمت او ما را

مشرف به این تکلیف کرده است . چه رسوایی بزرگی اگر بعد از این بخشش بزرگ در تسبیح او کوتاهی و در فرمانبرداری او سستی کنیم ! چه آقای کریمی و چه بنده های پستی ، چه خدای بردبار و چه بندگان کم عقلی !

با گوش دل شنیدیم آنچه را از پروردگار به ما رساندی که ((من همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند)) در حالی که بزرگی این ابلاغ هر زبانی را در عالم امکان و در تکلیف جواب آن ، لال کرده و عاقلان از زیبایی این کرامت متحیر شدند. اگر هر کدام از مشرف شدگان به این خطاب دارای بدن تمام جهانیان و روحهای تمام صاحبان روح بودند و تمام آن را در جواب و برای بزرگداشت این خطاب فدا می کردند، چیزی از حقوق آنرا ادا نکرده و شکر حتی جزیی از آن را نمی توانستند بجا آورند. پس چرا انسان بیکاره پست از اجابت این دعوت غفلت می کند و در استفاده از این منزلت و مقام بزرگ کوتاهی می کند و به این هم بسنده ننموده و بجای تمجید و تسبیح خدا، کسی را تمجید می کند که تمجیدش مستوجب آتش بوده ، و به جای همراهی با فرشته های نزدیک خدا و پیامبران ، در مجلسی که پروردگار جهانیان حضور دارد، به قرین شدن با جن ها و شیطان ها در میان طبقات جهنم راضی می شود.

عجیب تر از این دیده ای ! دیده ای که خالق مخلوق را برای همنشین خود بخواند ولی مخلوق اجابت نکند و در حالی که آقا مناجات بنده و انس او را دوست دارد، بنده از قبول عنایت او خودداری کند! پس با تأسف و اعتراف به غفلتهای خود و با ناچاری جواب می گوییم : بله ، ای پروردگار و آقا و ای مالک و مولا! اگر توفیق تو نصیب ما شده و در این دعوت عنایت تو شامل حال ما شود و با این دعوت ما را به کرامت برسانی - چنانچه از کرم تو جز این انتظار نمی رود و از کمال و بخشش تو جز این انتظاری نیست - چه سعادت بزرگی که در این صورت به بالاتر از آرزوی خود می رسیم . ولی وای بر ما اگر جز این باشد! در این حالت چه کنیم با این تیره

روزی و مجازات دوری از رحمت حق! پس می‌گوییم: و هیچ خدایی جز تو نیست. تو را تسبیح و تمجید می‌کنیم. ماییم ستمگران. خدایا به خود ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و به ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود. بلکه بناچار بیشتر جسارت کرده، ذلت و پستی خود را آشکار نموده، با قسمهای بزرگی نیز آنرا تاءکید کرده و عرض می‌کنیم: قسم به عزت و جلالت ای پروردگار ما! حتما از دستورات تو سرپیچی، خود را هلاک کرده و بر تو می‌شوریم و فاسد می‌شویم، اگر با توفیق خود ما را نگهداری نکنی و با عنایت خود بر ما خوبی نکنی. زیرا توان و نیرویی نیست مگر با یاری تو.

پس از این با توفیق تو بیشتر گفته و با یاری تو در خواستن خود پافشاری می‌کنیم و به جناب قدس تو که نه، بلکه به حضرت رحمت و لطف بخاطر جلب عطوفت آقای خود و نازل شدن رحمت پروردگار خود عرضه می‌داریم: ای کریمترین کریمان! و ای بخشنده ترین بخشنندگان! ای کسی که خود را لطف نامیده است! ای منادی ما را در این ماه بزرگ به کرم تو دعوت و به لطف و رحمت اشاره و بزرگواری و بزرگداشت تو را برای ما گفت (ماه ماه من است و بنده بنده من و رحمت رحمت من) بنابراین با این دعوت ما میهمانان دعوت شده تو و درماندگان درگاهت گردیدیم.

و تو کسی هستی که دوست نداری میهماندار از میهمان خود پذیرایی نکند؛ گر چه میهمان بر اثر عدم پذیرایی از بین نرود و میهماندار از کسانی باشد که پذیرایی دارایی او را کم کند. و اگر از ما پذیرایی نکنی، در پناه تو گرسنه مانده و از بین می‌رویم در حالی که پذیرایی و احسان دارایت را بیشتر می‌کند. ای کسی که نیکوکاری چیزی از او کم نکرده و محروم نمودن چیزی به او اضافه نمی‌کند! ما را بخاطر بدیمان مجازات مکن. کسی هستی که بهای بیشتری به من دادی و به کسانی که مهمان نبوده ولی مضطر باشند، وعده اجابت دادی و در کتابت وعده

برطرف کردن گرفتاری آنان را دادی و اکنون ای پروردگار! ما محتاج بخشایش تو و نجات از مجازات دردناک می باشیم و هیچ نیاز و اضطراری بالاتر از این اضطرار نیست . پس کجاست اجابت و برطرف کردن گرفتاری ! ای بخشاینده ! دست ما را بگیر و از ورطه هلاک شدگان و سقوط زیانکاران نجات ده . و چنانچه ماه ، ماه تو، بنده ، بنده تو و رحمت رحمت تو است ، دست زدن و گرفتن طناب نجات تو نیز تنها با توفیقی از جانب تو میسر است . زیرا تمام خیرها از تو بوده و در غیر تو یافت نمی شود. از کجا به خیر برسیم در حالی که خیری یافت نمی شود مگر از ناحیه تو و چگونه نجات پیدا کنیم در حالی که کسی نمی تواند نجات یابد مگر با کمک تو.

ای کریم ! اگر عدل تو ما را اجابت نموده ولی ترازوی حکمت ما را رد کند و بگوید: فضل و بخشش بر شما خلاف حکمت و موفق نمودن شما خلاف عدالت در قضاوت است زیرا سزاوار فضل و بخشش نبوده و خوبی به شما کار درستی نیست به خاطر اینکه گناهان روی شما را سیاه و غفلت از یاد من قلوب شما را تیره و دوستی دنیا نفس و عقل شما را مریض کرده و رحمت من گرچه شامل هر چیزی هست ولی مگر سختم را در کتابم نشنیدید که : رحمتم را برای متقین قرار می دهم . (۹) و من گرچه ارحم الراحمین و بخشنده مهربانی هستم ولی مجازاتم نیز سخت و شدید است و اگر حکمتم در میان آفریدگانم نبود که اهل عدل و فضل را از دیگران جدا نمایم در کجا زیبایی و بزرگی من به روشنی آشکار می شد، ما نیز در جواب قضاوت حکمت با آموزش و یاری تو می گوئیم : شکی نیست که سزاوار فضل و بخشایش تو نیستیم اما ای کریم اگر سزاوار فضل بودن شرط بهره مندی از فضل تو بود هیچگاه فضل تو در جهان آشکار نمی شد. زیرا غیر تو بجز از جانب تو نه خیری دارد و نه سزاوار چیزی است سزاواری فضل تو نیز فضلی است از جانب تو و امکان ندارد فضل از سزاوار فضل بودن بوجود

آید. و در مورد سیاهی چهره و تیرگی قلبهایمان نیز به همین صورت جواب می دهیم زیرا تمامی نورها در تو و از جانب تو است . بنابراین اگر ما را نورانی نکنی چگونه نورانی شویم و اگر ذره ای از نور و روشنی خود را به ما عنایت فرمایی و ما را با دادن ذره ای از زندگی خود، بزرگ بداری ما را زندگی و شفا داده و کامل و نورانی خواهی نمود. و آیه قرآن (رحمت خود را برای متقین قرار می دهیم) (۱۰) نیز با امیدواری و آرزوها و دعای ما منافاتی ندارد. زیرا ما نیز توقع داریم از فضل خود به ما تقوی عنایت فرمایی . چنانچه به متقین عطا فرمودی و سپس رحمت را نصیب ما سازی . وانگهی این فرمایش تو فقط تصریح می کند که رحمت خود را برای افراد باتقوا قرار داده ای و نفرموده ای که غیر آنها را از رحمت خود بهره مند نمی سازی . و در جواب اینکه اگر اهل فضل و عدل را از دیگران جدا نکنم ، زیبایی و بزرگیم در کجا بروشنی جلوه می کنند، می گوئیم برای آشکار شدن بزرگی ، عدل و مجازات تو کافی است ستیزه گران و کسانی را که از روی تکبر تو را عبادت نمی کنند، مجازات نمایی و با عدلت با آنان رفتار نمایی تا بزرگی و عدل تو بخوبی آشکار شود، و غیر از من افرادی داری که آنان را مجازات نمایی ولی من کسی را بجز تو ندارم که به من رحم کند. اقرار کنندگان به آنچه می خواهی و گدایان و دعا کنندگان و امیدواران و اهل ترس و حیای از تو کجا و آشکار شدن بزرگیت کجا؟ بخصوص که ، اگر چه گناهکاریم ولی به اولیا و دوستان فرمانبرداری متوسل می شویم و رویمان گرچه سیاه است ولی با روی پاک دوستان پاکت که نزد تو درخشان است به تو توجه می کنیم و دلهای ما گر چه تاریک است ولی از نور بندگان عارف به تو، روشنی می گیریم . و اگر دوستی دنیا دلهای ما را مریض و عقلهای ما را نابود کرده ، ولی محبت اولیای تو آن را زنده کرده و اگر فضل تو در بندگان چنگ زنده به دستگیره فضل و دامن کرمات آشکار

می شود، چه اشکالی دارد که فضل آنان نیز در اهل ولایت آنان که به دستگیره محبت آنان چنگ زده اند، ظاهر شود.

و اگر عدل تو در مورد ثبوت ولایت آنان ، با ما بحث کند، گر چه معلوم نیست ولایت آنان در ما باشد، ولی شکی نیست که دشمنان تو و دشمنان آنها فقط به خاطر ولایت آنان با ما دشمنی می کنند. و مدت زیادی به خاطر اولیای تو ما را آزار دادند. و همین مقدار کافی است که به دامن عفو و دستگیره فضل و کرم و رشته اولیای چنگ زنیم .

بنابراین بخاطر فضل و کرم و بخاطر مقام اولیای ، محمد و آل او، صلواتی بی پایان بر آنان فرست ؛ صلواتی که با آن گناهان ما را آمرزیده عیبهای ما را اصلاح و عقل و نور ما را با آن کامل کنی و خود و آنان را به ما بشناسانی و ما را به خودت و آنان نزدیک نمایی و مقام ما را در همنشینی با آنان نزد خود بالا ببری ؛ و با این صلوات از ما خشنود شده آنچنانکه هیچگاه از ما خشمگین نشوی تا در حالی که از تو راضی بوده و تو نیز از ما راضی باشی بر تو وارد شویم ؛ و ما را به آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ملحق نمایی همراه با شیعیان نزدیک و اولیای گذشته آنان در جایگاه راستی نزد پادشاه توانا - که در آنجا از نعمتها بهره مندند - و بر محمد و آل پاک او صلوات فرست که هر چه خدا خواهد، همان است و قدرتی جز او نیست .

از دیگر مراقبتها در این ماه این است که سالک معنی ماه حرام را بداند تا مواظب تمام کارها و حالتها و حتی اموری که وارد قلبش می شود باشد. و بداند که سه ماه رجب ، شعبان و رمضان ماه عبادت است . بنابراین سزاوار است طالبان علم در آن ماهها عبادت را مقدم بر تحصیل علم نمایند؛ گر چه تحصیل علم نیز از برترین عبادتهاست .

شب اول ماه : شب اول این ماه یکی از چهار شبی است که شب زنده داری در آن تاءکید شده است . یکی از مراقبتها این است که در هنگام دیدن ماه در شب اول دعایی که روایت شده

است را بخواند. و سزاوار است موقعی که در این دعا، به دعای آمادگی برای آمادگی در شعبان و رمضان می رسد آن را با توجه بخواند و در اوقات دعایش نیز آن را زیاد بخواند تا با این دعا آمادگی کاملی برای ورود به این دو ماه پیدا کند. و مستحب است بعد از نماز عشا دعاهای روایت شده در اقبال را بخواند.

در کتاب اقبال نمازهایی برای این شب نقل شده که من آسانترین آنها را برای افراد ضعیفی مانند خود می گویم . در آن کتاب از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است که فرمودند، کسی که بعد از بجا آوردن نماز مغرب شب اول رجب ، بیست رکعت نماز بجا آورده که در هر رکعتی سوره ((فاتحه)) و ((اخلاص)) را یک مرتبه خوانده و برای هر دو رکعتی یک سلام بدهید - در اینجا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آیا ثواب این نماز را می دانید؟ اصحاب عرض کردند: خدا و رسولش داناترند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: روح الامین این نماز را به من یاد دادند. و آستینهای خود را بالا زدند - خود و خانواده و مال و فرزندان محفوظ مانده و از عذاب قبر پناه داده می شود و از صراط، بدون حساب ، مانند برق می گذرد.

نماز آسانتری نیز در این کتاب از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است : پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که دو رکعت نماز در شب اول ماه رجب بعد از نماز عشاء بخواند و در رکعت اول آن سوره ((فاتحه)) و ((الم نشرح)) را یک بار و ((قل هو الله احد)) را سه بار و در رکعت دوم سوره ((فاتحه)) و ((الم نشرح)) و ((قل هو الله احد)) و ((معوذتین)) را هر کدام یک بار بخواند سپس تشهد خوانده و سلام دهد و بعد از آن سی بار ((لا اله الا الله)) گفته و سپس سی بار بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات بفرستد،

گناهان گذشته او آمرزیده شده و او را مانند روزی که از مادر متولد شده از گناهان بیرون می برد.

نمازی در تمام شبهای این ماه وارد شده که در کتاب اقبال و از کتاب ((التحفه)) حلوانی روایت شده است: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ((هر کس در رجب شصت رکعت نماز بجا آورد؛ در هر شبی از این ماه دو رکعت که در هر رکعت آن سوره فاتحه را یک بار و قل یا ایها الکافرون را سه بار و قل هو الله احد را یک بار بخواند و هنگامی که سلام نماز را داد، دستهای خود را بلند کرده و بگوید: لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدير و الیه المصیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم صل علی محمد و آل محمد و آل محمد النبی الاعمی و دستهای خود را بصورت بکشد، خداوند متعال دعای او را مستجاب و ثواب شصت حج و شصت عمره به او می دهد.))

باقیمانده شب را تا فرا رسیدن وقت نماز شب مشغول به ذکر یا فکر یا مناجات به تناسب حال خود می شود آنگاه نماز شب را بجا آورده و بعد از هشت رکعت نماز شب سجده نموده و در سجده خود آنچه از امام ابی الحسن اول (علیه السلام) در اقبال روایت شده است را بخواند. و بعد از نماز وتر دو دعایی را که در کتاب اقبال روایت شده است بخواند و بندهای دعای دوم را با توجه و حضور قلب بخواند تا بهره او از دعا تلفظ تنها به الفاظ نبوده و عبادت او مثل عبادت چهارپایان نباشد. و سعی کند که در دعای خود راستگو بوده و به خدای متعال در مجلس حضور او و در دعایش دروغ نگویید: زیرا این کار برای کسی که دعا می کند خطر بزرگی است. و اگر حال او مطالبی را که به خدایش می گوید، تصدیق نمی کند، باید در گفتار خود بعضی از معانی مجازی را قصد کند. و اگر این کار را نیز نمی تواند انجام دهد، الفاظ را بگونه ای تغییر

دهد که دروغ صریح و ادعای باطلی در آن نباشد. زیرا کسی که معنی محبت خدا را نمی داند، چگونه می تواند در این دعا ادعای انس با او را داشته باشد. و کسی که معنی نزدیک گرداندن را نمی داند، چگونه می گوید: ((مرا از ورطه گناهان خارج و به بلندای نزدیکی برسان)) و همینطور باقی عبارات. و مهم این است که مواظب قلبش باشد که زنده با ذکر خدا و با حضور در مقابل او به مراسم بندگی که موجب رضایت اوست مشغول باشد. زیرا مقصود از زنده داشتن شبها زنده نمودن قلب در آن است و زنده بودن قلب نیز فقط با ذکر و فکر است و قلب غافل مانند مرده است. و کسی که مشغول به مکروهاتی که مورد رضایت خدا نیست، باشد، پایینتر از مرده است. و کسی که مشغول به محرمات الهی در این شبها باشد، بدتر از کسی است که در غیر این شبها مرتکب حرام می شود. و شاید همین کار باعث شود که انسان عاقبت به خیر نشود.

انسان باید تلاش کند که - در حالی که خیال می کند شب زنده داری کرده و رستگار شده - از دسته سومی که گفتیم نباشد. زیرا در این صورت از کسانی خواهد بود که خداوند متعال درباره آنها فرموده: ((از لحاظ عمل زیانکارترین (بدکارترین) افراد هستند ولی خیال می کنند کارهایشان خوب است.)) (۱۱) و فکر می کنم از گناهان پنهانی خالی نباشی، مثل تاءخیر توبه از بعضی گناهان زیرا مشهور این است که سرعت در توبه واجب فوری است و ترک واجب نیز حرام است مانند تزکیه نفس از بعضی از اخلاق که واجب عینی است و ترک آن و مشغول شدن به عبادات مستحبی حرام است. و همینطور گناهان دیگری که مانند این دو گناه مخفی و پنهان هستند. و خلاصه این که سالک باید قبل از فرا رسیدن این شبها و اوقات شریف مواظب خود بوده و بیش از سایر وقتها حال خود را بررسی کند و بکوشد که گناهی در او نباشد تا در تجارت با پروردگار ضرر و زیانی ندیده، نور عبادت کنندگان را از دست نداده و

مانند بنده ای نباشد که سلطان او را به مجلسش برای هدیه دادن و بزرگداشت او، بلکه برای مآءنوس نمودن و مناجات و حالهای عالی به همراه اولیای بزرگوار خداوند، دعوت نموده و او در این مجلس حاضر شده و در حضور سلطان به مخالفت او پردازد و در خانه رحمان و آشکارا به عبادت شیطان پردازد و با این اعمال سزاوار خواری بزرگی شده و به جای بدست آوردن بزرگداشت خدا، ذلت و خواری بدست آورد.

بهر صورت به حکم عقل واجب است در این شب و امثال آن ، از هر چیز ممکن در بدست آوردن رضایت خداوند و سلامتی حالها و عملها از آفتها، کمک گرفت و با تمام توان باید به این مهم پرداخته تا عمل او خالص و خودش نیز مخلص برای خداوند متعال باشد. و در این صورت است که عمل کم نیز کافی است زیرا پاداش عمل خالص از بنده مخلص بدون حساب است ؛ و بنده ای که نیت درستی داشته باشد، در معامله با مولای خود فقط با خلوص صادق راضی می شود؛ و تمام سعی خود را در این جهت بکار انداخته و این مطلب برای او از هر چیزی مهمتر است . زیرا این مطلب با آرزو بدست نیامده ، و تنها با علاقه به آن ، نمی رسند. و کسی که تفاوت این حالتها را نبیند در ازیاد عبادت‌های ظاهری خیلی تلاش می کند، در حالی که در باطن و قلب خود مخالف پروردگار و دارای حالت‌های پست و اخلاق فاسدی از قبیل ترک واجب و انجام حرام بوده و عمل خود را با ریا و کسب شهرت و نفاق و عجب و نادانی و مخالفت با خدا انجام می دهد.

همچنین باید سعی او بر لطیف کردن عمل بیش از ازدیاد عمل بوده و دعا و مناجاتی را انتخاب کند که عبادت‌های آن مشتمل بر تملق و خضوع و اعتراف بیشتر به حق منت خداوند در مشرف کردن بندگان به تکلیف باشد؛ حرکات و حالات او بگونه ای باشد که دل را نرم کرده و باعث تواضع و زهد بیشتری گردد، مثل پوشیدن لباس‌های موین ، روی خاک و خاکستر نشستن ،

گذاشتن خاک بر سر و با طناب و زنجیر دستهای خود را به گردن بستن و مانند انسان بی خبر و مست بودن که گاهی نشسته ، گاهی ایستاده ، گاهی سجده نموده ، و گاهی راه رفته و گاهی سر را بر دیوار و گاهی چانه ها را بر خاک می گذارد. در قدیم ، اهل سلوک زنجیر در گرده کرده وارد قبرهای خود شده و دستور می دادند آنها را با زنجیر بسته و بسوی آتش برند و نیز قسمتی از لباس را که روی دوش بود، پاره و طناب یا زنجیر در آن وارد کرده و آن را به ستون بیت المقدس می بستند. این اعمال از حالتهای قلب و شناخت ذلت نفس و عظمت خدا سرچشمه می گیرد؛ گرچه خود این عملها نیز باعث بهتر شدن و برتری حال قلب می گردد. و چنین نیست که این کارها فقط برای آنان میسر باشد بلکه کسانی هم که این صفات را ندارند با تمرین این عملها می توانند به آن حالت قلبی برسند.

باید در تمام این ماه و ماه شعبان و رمضان و تمام عمر، اهمیت زیادی به دعا جهت توفیق اخلاص داده ، و توجه به خدای متعال با نامهای او مانند کریم العفو و مبدل السيئات بالحسنات و توسل به او بوسیله محمد و آل او (علیهم السلام) را زیاد کند. زیرا روی ما لیاقت توجه به حضرت قدس خدا را نداشته و برای جبران این نقص باید به اولیای آبرومند او متوسل شد. و آنگاه شب خود را با توسل به نگهبانان آن که از معصومین علیهم السلام می باشند، برای اصلاح حال و اعمال خدائیش به پایان برساند.

عمل ((ليلة الرغائب))

چنانچه شب اول ماه مصادف با شب جمعه بود، سزاوار است عمل ((ليلة الرغائب)) را نیز انجام دهد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است که فرمودند: از اولین شب جمعه در ماه رجب غافل نشوید. زیرا شبی است که فرشتگان آنرا ((ليلة الرغائب)) می نامند.

این نامگذاری به این جهت است که هنگامی که یک سوم از شب گذشت هیچ فرشته ای در آسمانها و زمین نمی ماند مگر این که در کعبه و اطراف آن جمع می شوند. آنگاه خداوند بطور غیرمنتظره ای بر آنان وارد شده و می فرماید: ای فرشتگانم! هر چه می خواهید از من درخواست کنید. فرشتگان عرض می کنند: حاجات ما این است که از روزه داران رجب درگذری. خداوند می فرماید: این کار را انجام دادم. بهتر است کسی که این حدیث را می شنود، در این شب، زیاد بر فرشتگان صلوات فرستاده تا تکلیفی را که آیه تحیت (۱۲) به عهده ما گذاشته باندازه توانایی انجام داده باشد - سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که روز پنجشنبه اول رجب را روزه گرفته و سپس بین نماز مغرب و عشا دوازده رکعت نماز بجا آورده هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعتی سوره فاتحه یک بار، انا انزلناه فی لیلۃ القدر سه بار و قل هو الله احد را دوازده بار خوانده، و هنگامی که نماز تمام شد، هفتاد بار بر من (با این الفاظ) صلوات بفرستد: اللهم صل علی محمد النبی الاعمی و علی آله، سپس سجده کرده و در سجده هفتاد بار بگوید: سبح قدوس رب الملائکة و الروح؛ سپس سر خود را بلند کرده و بگوید: رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت العلی الاعظم آنگاه بار دیگر به سجده رفته و در سجده همان چیزی را بگوید که در سجده اول گفت، سپس حاجت خود را از خدا بخواهد، ان شاءالله تعالی برآورده می شود. سپس رسول خدا فرمودند: قسم به کسی که جانم در دست اوست؛ هیچ بنده یا کنیزی - از بندگان و کنیزان خدا - این نماز را به جا نمی آورد، مگر این که خداوند گناهان او را می بخشد گرچه گناهان او مثل کف دریا و بعدد شن و بوزن کوهها و بعدد برگهای درختان باشد و روز قیامت هفتصد نفر از خویشاوندان خود را که همگی سزاوار آتش باشند شفاعت می کند. و در شب اول قبر خداوند ثواب آن را به بهترین صورت، با روی گشاده و خندان و زبان فصیح برای او می فرستد که می گوید: ای محبوب من

! مژده بده ؛ از هر سختی نجات پیدا کردی . می پرسد: تو کیستی ؟ رویی بهتر از روی تو ندیده و بویی به خوشبویی تو مشامم نرسیده . جواب می دهد: ای محبوب من ! من ثواب آن نمازی هستم که در فلان شب ، فلان منطقه ، فلان ماه و فلان سال بجا آوردی ؛ امشب آمده ام تا حقت را ادا کرده ، مونس تنهایی تو بوده و وحشت را از بین ببرم ؛ و زمانی که در شیپور دمیده شود، در عرصه قیامت بر سرت سایه افکنم . و تو هرگز هیچ خیری را از جانب مولایت از دست نخواهی داد.

در اینجا این سؤال پیش می آید که : ظاهر روایت این است که ((ليلة الرغائب)) اولین شب جمعه ماه رجب است ؛ و اگر اعمالی که در این روایت ذکر شده از اعمال این شب بوده و شب جمعه اول ماه ، مصادف با اول ماه شد، چگونه می توان این عمل را بجا آورد؟- زیرا در این صورت پنجشنبه قبل از جمعه اول ، جزء ماه رجب نیست - جواب این است که اگر بخواهیم به ظاهر روایت عمل کنیم ، باید بگوییم این اعمال در صورتی است که شب اول ماه شب جمعه نباشد؛ و اگر شب جمعه بود، شب جمعه دوم این اعمال انجام می شود؛ گرچه ليلة الرغائب نباشد. چون در روایت تصریح نشده که این اعمال حتما باید در ليلة الرغائب باشد. ولی راه دوم و سومی هم هست که صحیحتر به نظر می رسد. راه دوم این است که این اعمال را بدون روزه انجام دهیم و راه سوم این است که روزه را هم بگیریم گرچه روزه در رجب نباشد.

روز اول ماه

از کارهای مهم در این روز، روزه ، نماز سلمان و دعا در اول آن با دعایی که در اقبال سید قدس سره روایت شده ، می باشد.



درباره روزه این ماه روایات معتبری داریم که یکی از آنها را نقل می کنیم : شیخ صدوق می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: رجب قطعا ماه استوار خداوند است که هیچ ماهی به احترام و فضل آن نزد خدا نمی رسد. در زمان جاهلیت نیز مردم آن را بزرگ می دانستند و هنگامی که اسلام آمد، بزرگی و فضیلت آن را بیشتر نمود. رجب قطعا ماه خدا، شعبان ماه من ، و رمضان ماه امت من می باشد. بدانید که اگر کسی یک روز رجب را بخاطر ایمان و پاداش الهی روزه بگیرد، سزاوار رضایت بزرگتر خداوند می شود و روزه او در این روز خشم خدا را خاموش کرده و دری از درهای آتش را را به روی او می بندد. و اگر به اندازه پری زمین طلا بدهد، بهتر از روزه اش نخواهد بود. و اگر روزه اش را برای خدا خالص نماید هیچ خیری از دنیا مگر نیکی هایش پاداش او را کامل نمی کند. و موقعی که شب شد، ده دعای مستجاب دارد. اگر خواسته دنیایی داشته باشد، خدا به او می دهد والا خیرهایی برای او ذخیره می کند که از بهترین چیزهایی است که اولیا و برگزیدگان خدا آن را در دعای خود خواسته اند. روایات بسیاری برای روزه روزه های رجب وارد شده و ثوابهای بسیار زیاد و گرانقدری را به کسی که یک روز، دو روز، یا سه روز و به ترتیب تا تمام ماه را روزه بگیرد، وعده داده اند. بنابراین کسی که می خواهد تمام سعی خود را بکار گیرد، باید تمام ماه را روزه بگیرد تا به سعادت تمام ثوابهای وارد در هر روز برسد. ولی اگر ماه مصادف با فصل گرما باشد و مزاج و حال او با روزه سازگار نبوده یا عذر شرعی مانند مسافرت یا میهمانی که روزه او برای میهمان سخت است یا غیر اینها، برای او پیش آمد باید به جایگزین روزه که در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده ، عمل کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که سی روز از ماه رجب را روزه بگیرد، منادی از آسمان صدا می زند: ای بنده خدا! گذشته ات بخشیده شد؛ در بقیه عمر خود عمل خود را از نو شروع کن . و خداوند متعال در

تمام بهشتها در هر بهشتی ، چهل میلیون شهر از طلا به او می دهد؛ در هر شهر، چهل میلیون کاخ ، در هر کاخ چهل میلیون خانه ، در هر خانه ، چهل میلیون سفره از طلا، بر هر سفره یک میلیون سینی بزرگ ، در هر سینی چهل میلیون رنگ غذا و نوشیدنی ، با رنگ جداگانه هر کدام از غذاها و نوشیدنی ها می باشد؛ و در هر خانه ای چهل میلیون تخت از طلا هست که هزار ذراع در هزار ذراع (۱۳) است ؛ بر هر تختی کنیزی از حورالعین هست که هر کدام سیصد هزار زلف نوری دارند و هر کدام از این زلفها را یک میلیون دختر خدمتکار خردسال حمل نموده و با مشک و عنبر پوشانده اند تا روزه دار رجب پیش او بیاید. اینها برای کسی است که تمام رجب را روزه بگیرد. روزه بگیرد. عرض شد: ای پیامبر خدا! کسی که بعلت ضعف یا مرض ، یا زنی که پاک نباشد و نتواند روزه بگیرد، چه کاری انجام دهد تا به آنچه فرمودی برسد؟ حضرت فرمودند: برای هر روز قرص نانی صدقه بدهد. قسم به کسی که جانم بدست اوست ، اگر هر روز اینطور صدقه بدهد، به آنچه گفتم و بیش از آن می رسد. زیرا اگر جمیع مخلوقات آسمانها و زمین همگی جمع شوند تا مقدار ثواب این عمل را معین کنند، به یک دهم فضائل و درجاتی که در بهشتها به آن می رسد، نمی رسند. عرض شد: ای رسول خدا! کسی که نتواند صدقه بدهد چه کاری انجام دهد تا به آنچه فرمودی برسد؟ حضرت فرمودند: با این تسبیح در هر روز ماه رجب صد بار خدا را تسبیح می کند تا سی روز تمام شود: سبحان الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز الاءکرم سبحان من لبس العز و هو له اءهل .

مطالبی درباره روزه

همانگونه که در روایت آمده ، همین مقدار که روزه برای خدا باشد کافی است . ولی سزاوار است وقتی سالک روزه می گیرد، اعضای بدن او نیز روزه باشند، همانطور که از امام صادق (علیه السلام) روایت شده : ((هنگامی که روزه گرفتی ، گوش ، چشم ، مو و پوست تو نیز باید

روزه بگیرند.)) - امام (علیه السلام) غیر از این ، اعضای دیگری را نیز شمردند - ولی همین که پوست و مو را ذکر فرمودند، کافی است بدانیم لازم است تمام اعضای بدن روزه بگیرند. و خلاصه اینکه روزه خواص تنها روزه شکم و فرج نیست ، بلکه سایر اعضا را نیز شامل می شود. چنانچه روزه خواص خواص ، روزه تمام اعضای بدن به اضافه روزه قلب است .

و معنی روزه اعضای بدن خودداری اعضای بدن از مخالفت خواسته های الهی است ؛ و روزه قلب عبارت از نگهداشتن آن از خواسته های پست و خطورات دنیوی و بازداشتن کامل آن از غیر خدا می باشد.

روزه و همینطور هر عبادتی را عوام تکلیفی بیش نمی دانند و لذا با زحمت آن را انجام می دهند؛ ولی خواص آن را بزرگداشت و لطفی از جانب خداوند دانسته و قرار دادن عبادات و واجب نمودن آن را منت بزرگی برای خدا و نعمت بزرگی برای بندگان می بینند. و بگونه ای که شایسته بزرگداشت آن است . با نشاط، خوشحالی و سرور از آن استقبال می کنند نه با حالتی که انسان با تکلیف روبرو می شود. بلکه بالاتر، از خطاب تکلیف لذت برده و شادمان می شوند. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که درباره این آیه : ((ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شد.)) فرمودند: ((لذت خطاب (خداوند به مؤمنین) سختی عمل را از بین برده است.)) بنده عارف به خدا و به حق او باید هم چنین باشد. زیرا هنگامی که بنده پروردگار را شناخت ، او را دوست می دارد؛ و بدین ترتیب تمام معاملات او با خدا معامله محبوب با محبوب می گردد. و آیا محبوبی را می شناسی که خدمت به محبوب برای او سخت باشد؛ بخصوص موقعی که خدمت به محبوب بزرگداشت و لطفی از طرف او بلکه بالاتر، دعوت به مجلس انس و کرامت باشد. و نه تنها سخت نیست بلکه از خطابی که تکلیف در آن است ، لذت می برد و به اندازه محبت و دوستی جان خویش را فدا می کند؛ و دقت می کند که تمام

منظور او را انجام دهد؛ و در بدست آوردن تمام محبت او کوشش می کند؛ گرچه از او نخواستہ باشد و بکارگیری تمام نیروی خود را در این راه لذت و سعادت می داند؛ و به این ترتیب انجام چیزهای مورد علاقه خدا از محبوبترین چیزها و خواسته های او می شود. و با شوقی کامل و با قبول منت خدا - در این که به او اجازه این کار را داده است - به آن عمل می کند و در قصد او چیزی غیر از خدا و رضایت او پیدا نمی شود. و این نیت را با نیت بدست آوردن ثواب و پاداش و بهشت و نعمتی از نعمتهای خداوند مخلوط نمی کند؛ چه رسد به این که ریا، کسب شهرت و اطلاع و رضایت غیر خدا را با نیت رضایت خدا همراه کند.*

اهمیت اخلاص

ای عاقل درباره روزه ای که می گیری بیندیش که اگر با این نیتی که گفتیم روزه بگیری به تمام کرامتها و مقامهای عالی روزه داران و مخلصین و بیش از آن رسیده و فرشتگان خدا به خدمت در آمده و حتی خدا در خواب قیلوله ات به تو آب و غذا می خوراند و کسی توان بیان تعداد فضل و کرامت خدا را ندارد. ولی اگر به خاطر ریا و کسب شهرت روزه بگیری ، خوار و از عبادت کنندگان شیطان شده و با چهار اسم خوانده می شوی : ای حيله گر! ای فاجر! ای دروغگو! ای ریاکننده ! و به این ترتیب سزاوار آتش می گردی . و این اختلاف زیاد بخاطر اختلاف نیتهاست .

و اگر مسئله قلب و نیت به این اهمیت نبود، خداوند در قرآن ، در سوره شمس یازده قسم به رستگاری کسی که آن را تزکیه کرده ، و بدبختی کسی که آنرا آلوده نماید، یاد نمی کرد. به همین جهت انسان باید با تمام توان سعی کند که نیت خود را خالص نموده تا جایی که به مقام صدق در اخلاص برسد.

ملاکهای تشخیص روزه خالص از روزه ریایی

.....

مولای ما الگوی اهل مراقبت در کتاب اقبال ملاکهای جهت شناخت روزه خالص و تمیز آن از روزه ریایی و شبهه دار بیان نموده که بجهت تیمن و تبرک آنها را نقل کرده و سپس آنچه را که خداوند بر زبانم جاری کند خواهم گفت .

۱- اگر موقعی که روزه مستحبی گرفته و در حضور جمعی از نیکان روزه دار قرار دارد، ببیند از شکستن روزه خود شرم می کند، بداند که در روزه او شبهه ای است که همان نزدیک شدن به دلهای مردم است .

۲- اگر دوست داشته باشی غیر خدا نیز از روزه تو آگاه شود کسانی که گمان می کنی اگر اطلاع پیدا کنند خیر دنیایی برای تو دارند؛ اگر چه این خیر، مدح و ستایش و احترام بیشتر آنان به تو باشد یا این که میل به اطلاع دیگران باندازه ای نباشد که در رغبت به روزه تاءثیر بگذارد ولی در عین حال دوست داری علاوه بر خدا مردم هم از روزه تو آگاه شوند در هر دو صورت روزه تو بیمار و بنده پستی خواهی بود.

۳- اگر هنگامی که با روزه داران زیادی روزه می گیری، به نشاط می آید و هنگامی که به تنهایی روزه می گیری، کسل می شود، معلوم می شود زیادی روزه داران در قصد و عمل او تاءثیر دارد. بنابراین بمقدار تاءثیر آن در قلب ، اخلاص تیره شده و روزه بیمار می گردد.

۴- قصدت از روزه ، بدست آوردن ثواب است یا به خاطر اینکه خدا می خواهد؟ اگر بخاطر ثواب باشد، بدان که با این عمل می گویی خداوند سزاوار نیست که بخاطر فرمانبرداریش روزه بگیرم و خداوند بخاطر بزرگیش شایسته عبادت نیست و اگر رشوه او نبود او را عبادت نمی کردم ، حق خوبیهای گذشته او را رعایت نکرده و احترام مقام بزرگ او را نگه نمی داشتم .

۵- اگر رنگین بودن افطار و زیادی غذا و لذت آن نشاط تو را در روزه افزون کرد، معلوم می شود بمقدار زیادی نشاط روزه از اول تا آخر برای غیر خدا بوده است .

.....

تا اینجا ملاکهای شروع روزه را با اخلاص گفتیم ، اکنون چند ملاک نیز برای تشخیص به پایان رساندن روزه همراه با اخلاص می گوییم .

۱- اگر در اثنای روزه به غذای خوشمزه یا همسر زیبا یا سفری که در آن نفعی باشد، برخورد کردی و نشاط روزه در تو کم و روزه برایت سنگین شده و انتظار رهایی از روزه را کشیدی ، باز هم خالص نیستی . زیرا تو نیز از بنده ات خدمتی را که بر خود سنگین بداند، قبول نمی کنی بلکه به خاطر آن او را طرد و ترک می کنی .

۲- اگر اتفاقی بیفتد که شکستن روزه ات ، نزد خدا بر گرفتن آن برتری داشته باشد ولی از شکستن روزه در نزد مردم خجالت کشیدی بدان که مخلص نیستی . زیرا اگر در عمل و قصد خود مخلص برای خواسته خدا بودی ملاحظه هیچکس را نمی کردی .

۳- اگر در اثنای روزه دیدی که روزه تو را از انجام بعضی از واجبات یا اموری که نزد خدا اهمیت بیشتری دارد ناتوان نموده است ولی با این حال روزه خود را نشکستی ، وارد دسته ریاکاران در عبادت شده و عبادت تو جزو گناهان کبیره می شود. وظیفه تو در اینجا انجام عملی است که نزد خدا مهمتر است و نباید ملاحظه این که مردم عذر تو را نمی دانند، داشته باشی . زیرا این مطالب روزه یا اخلاص تو را از بین می برد؛ گرچه در اول روزه تو صحیح و مورد رضایت خداوند بود. در صورت پیش آمدن چنین مطلبی باید فوراً آنچه را که نزد خدا مهم است انجام داده و عدم آگاهی مردم به عذر را نباید ملاحظه کرد. و اگر چنین مسأله ای اخلاص را از بین برد، باید فوراً از آن توبه نمود. آنچه تو را از خدمت مولا و انجام اعمالی که موجب خشنودی پروردگارت است ، باز می دارد، مانند دشمن برای تو و مولایت می باشد و چگونه تو دشمن خود و او را بر او مقدم می کنی در حالی که در حضورش بوده و تو را می

بیند. و هنگامی که غیر خدا را بر او مقدم داشتی چه کسی احتیاجات تو را در دنیا و آخرت برطرف می کند؟

این بود خلاصه سخنان صاحب کتاب اقبال که مطالب را به خوبی بیان کرد - خداوند به او جزای خیر دهد - ولی مراتب این آفات را بیان ننمود. بعضی از این آفات موجب بطلان روزه و بعضی دیگر موجب از بین رفتن اخلاص و بعضی باعث نابودی صدق و اخلاص می شود و بعضی فقط مانع رسیدن روزه به عالی ترین درجه می شود، در عین این که صدق و اخلاص آن در درجه عالی است .

برای توضیح مراتب آفات می توان گفت :

اگر انسان از آغاز عبادت - روزه یا سایر عبادات - یا در اثنای آن غیر خدا را در قصد خود وارد کند عبادت او باطل می گردد. و سه مورد از مواردی که صاحب کتاب اقبال فرمود از همین قبیل است :

الف - اگر به جهت عذری در اثنای روزه ، گشودن روزه برتر از ادامه آن شود ولی بخاطر جهل مردم به عذر، روزه خود را ادامه داده و مرتکب ریای حرام گردد.

ب - جایی که انسان عمل خود را با نیتی الهی آغاز نماید ولی بر این قصد باقی نماند. یعنی صورتی که در آن گفت : آن مانند دشمن تو و پروردگارت می باشد. حق همین است و بلکه در واقع عبادت دشمن خدا را بر عبادت او برگزیده ای . چون این کار با دستور شیطان می باشد، و در حقیقت عبادت دشمن خدا و و بمنزله کفر به خداوند می باشد؛ و در حقیقت عبادت دشمن خدا و بمنزله کفر به خداوند می باشد؛ گرچه خداوند بخاطر بردباری و سهل گیری ، آن را کفر نشمارد.

ج - جایی که از شکستن روزه خود در میان سایر روزه داران ، بگونه ای شرم دارد که در روزه او مؤثر است . یعنی اگر این شرم نبود روزه را می شکست . - گرچه ممکن است بگوییم بخاطر چنین روزه ای مجازات نخواهد شد.

اگر از شکستن روزه خود در میان روزه داران شرم نموده و این شرم در روزه او بی تأثیر باشد، روزه او صحیح است ؛ گرچه این مطلب باعث می شود روزه او به درجات عالی نرسد - این عمل با چنین شرایطی مانند انجام عمل بقصد رسیدن به پاداش و دوری از مجازات است که گرچه عمل صحیح و نیت نیز عالی است ولی اگر آن را با عمل کسانی که خداوند را بخاطر شایستگی اش برای عبادت و برای بدست آوردن رضایت و نزدیک شدن به او عبادت می کنند، بسنجیم این عمل مانند کار بردگان و مزدوران خواهد بود. و گرچه بدست آوردن رضایت و نزدیک شدن به خداوند نیز نوعی پاداش هستند ولی این پاداش با پاداشهای دیگر تفاوت دارد. زیرا این دو نیت شبیه عبادت برای شایستگی خداوند است .

آری ، بیشتر اعمال آزادگان عارف از روی طمع و ترس نیست ، بلکه بخاطر عظمت و بزرگی پروردگار و نور و زیبایی اوست که کارهایشان را بخاطر او انجام داده ، برای او فروتنی نموده و او را عبادت می کنند. و بدون تفکر، تردید و اختیار این امور را انجام می دهند. بلکه اعمال آنها شبیه به عمل ناچاران است . همانگونه که علی (علیه السلام) در حدیث همام درباره آنان می فرماید: بل خامرهم من عظمه ربهم ما طاشت به عقولهم از بزرگی پروردگارشان بی فکر شده اند. یا شبیه عمل کسانی که بخاطر آشکار شدن زیبایی خدا و جلوه گر شدن نورهای جمالش مجذوب و متحیر شده اند می باشد؛ آنانی که مجذوب و سرگردان شده ، در مقابل خداوند تضرع نموده و تملق می گویند؛ در تاریکی شب و هنگامی که پرده ها کشیده شده و هر دوستی با دوست خود خلوت کرد، در مقابل او ایستاده و پیشنهائیا را بر خاک می گذارند و به

گریستن ، نالیدن ، تضرع و شکوه می پردازند. و خداوند سختیهایی را که آنان تحمل می کنند دیده و شکایتهای آنان را از دوستی خود می شنود؛ آنان را به گرمی پذیرفته جمال خود را به آنان می نمایاند. و با آنان رفتاری بسیار شایسته خواهد داشت .

ولی کسانی که از خدا جز بهشت و جهنم او نمی دانند، کارهایشان بخاطر ترس از آتش و برای رسیدن به بهشت است و نمی توانند مانند عارفان دوستدار و مشتاق عمل نمایند؛ ولی می توانند درباره عظمت آفریدگار و نعمتهای فراوان و بیشمار او اندیشیده و خود و دل خود را از یاد آتش و بهشت خالی نمایند و بدین ترتیب برای اینکه بدون ترس از جهنم و اشتیاق بهشت و فقط بخاطر شایستگی خداوند او را عبادت کنند، به تمرین بپردازند. و برای بدست آوردن انگیزه و اشتیاق به نزدیک شدن و دیدار خداوند می توانند گاهی پیرامون روایاتی که از پیامبران و اولیا بدست ما رسیده و در آنها فرموده اند: ((چیزی بالاتر از نزدیک شدن به خدا و دیدار او نیست)) اندیشه نموده و برای آن معنای صحیحی در ذهن خود تصور نمایند.

عارفان فقط گاهی این نیت در آنها وجود دارد نه همیشه . و از هیچکدام از پیامبران و اولیا نقل نشده است که همیشه این نیت را داشته باشند جز از اسوه عارفان و الگوی مشتاقان ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) آنجا که به درگاه خدا عرضه می دارد:

ما عبدتك خوفاً في نارك و لا طمعا في جنتك ؛ بل وجدتك اهلاً للعبادة فعبدتك ؛ ((از ترس آتش یا بطمع بهشت تو را عبادت نکردم ، بلکه تو را شایسته عبادت یافته و عبادت نمودم)) و این مطلب از خصوصیات او و برادرش ، رسول خدا و حبیب خدا و سرور تمام مخلوقات است . و شاید در میان فرزندان معصوم او یا سایر پیامبران نیز کسانی مانند آنان باشند. از شعیب پیامبر (علیه السلام) روایت شده است که در پاسخ خداوند که از علت گریه او پرسید، گفت :

((من از ترس آتش یا برای بهشت گریه نمی کنم و گریه من از شوق دیدار تو است.)) او در این گفتار خود تصریح نمی کند که تمام عباداتش از شوق دیدار خدا باشد.

بهر حال این مطلبی است که اغلب علما توان فهم و تصدیق آن را ندارند؛ چه رسد به دیگران . بنابراین مهمترین کاری که سالک باید انجام دهد این است که نیت خود را از ریا پاک نموده تا گرفتار رسوایی روز قیامت و شرمساری عرضه اعمال به خداوند نشده و او را با این نامها صدا زنند: ای بدکار! ای حيله گر! ای ریاکار! خجالت نکشیدی طاعت خدا را به کالای دنیا فروختی ! در پی بدست آوردن دل بندگان بوده و به خداوند بی اعتنا بودی ! با دشمنی با پروردگار با آنان دوستی نمودی ! و با عملی که بظاهر برای خدا بود خود را در میان آنان آراسته و با دوری از خدا خود را به آنان نزدیک می کردی ! رضایت آنان را خواسته و خدای را به خشم می آوردی . آیا کسی را ذلیلتر از خدا نیافتی !

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: اگر روز حساب ترسی نداشت جز شرمساری عرضه اعمال به خداوند و رسوایی رو شدن بدیها، سزاوار بود انسان از قله کوهها پایین نیامده و در آبادی ساکن نشود، نخورده ، نیشامد و نخواهد مگر زمانی که مضطر شده و مشرف به مرگ شود. پناه بر خدا از این که حقیقت عبادات انسان در روز قیامت برای انسان آشکار شود! و اهل محشر ببینند که او در آن عبادات مراقب نظر آفریده های خدا بوده و با آن اعمال برای ضعیفان همانندش خود را می آراسته و با کسب دشمنی خداوند در پی بدست آوردن دوستی مردم بوده است ؛ بخصوص اگر واعظ مردم بوده و مردم را از ریا نهی می کرده است . بجان خودم سوگند که این سخت تر از جهنم و عذاب آتش است . بخصوص اگر خدای بزرگ به او بگوید: بنده ام ! آیا من آفریدگار، روزی رسان ، نعمت دهنده ، مراقب و محافظ تو نبودم ! در حالی که نسبت به من نافرمان بودی ، می خوابیدی ولی من در همین خواب تو را از

شر تمام دشمنان و چیزهایی که از آن بدت می آمد حفظ می کردم ! با نعمتهایی که به تو داده بودم به نافرمانی من پرداختی و من با نافرمانیهایی که نسبت به من داشتی به تو نعمت می دادم . پس چرا دیگران را بر من برگزیدی ! آیا دیگران نعمتهایی بیشتر و بهتر از من به تو می دادند که بخاطر سود خود آنان را انتخاب کردی ! یا قویتر از من بودند و من غایب که بخاطر حضورشان از آنان خجالت می کشیدی ! آیا بزرگی ، ردای من ، عظمت ، پوشش من ، و تمامی نعمتها از من نیست ! آیا من غنی ترین اغنیا نیستم ! آیا غیر از من غنی هست ! آیا همه مخلوقات فقیر نیستند ! و در عالم وجود، غیر از آنان فقری هست !

آیا نیرویی به تو ندادم که با آن خطا را از درستی تشخیص دهی ! آیا رسولانی اندازگر و مژده دهنده و اولیایی هدایتگر، یکی پس از دیگری ، برایت نفرستادم ! آیا کتابی را برای هدایت فرو نفرستاده و تو را از دشمنت ، ابلیس پرهیز ندادم ! یا حسره علی العباد ما یاءتیهم من رسول الا کانوا به یستهزؤ ون (۱۴) وای بر این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد مگر آنکه او را مسخره کردند. آیا همه اینها مرا نزد تو محبوب نساخت و تو را از من خشنود نکرد ! و باعث نشد که از من اطاعت کنی ! آیا ذلیلتر از من پیدا نکردی که با همان نعمتهایی که به تو دادم و در حضور من ، با دستوراتی که بصلاح تو و سعادت تو در آن بود مخالفت کرده ، و از دستورات دشمنم که مایه بدبختی و هلاکت تو بود پیروی کردی ! وای از تیره روزی کسانی که از رحمت محروم شدند ! وای از دوری کسانی که با سرپیچی از من از دیگران فرمانبرداری کردند ! (و او در آن هنگام بگوید:) افسوس از اینکه دستورات الهی را رعایت نکردم ! آه از بیچارگی ! آه از رسوایی ! کاش آسمان بر زمین فرود می آمد ولی این سخنان را نمی شنیدم ! کاش کوهها خراب گردیده و بر دشتهای می ریختند اما پستی را با بزرگواری عوض نکرده بودم ! و امروز از میان عالم طبیعت و از میان این ذلتها صدا می زنم : خدای من !

پروردگار و سرور من ! به عزت ، جلال ، زیبایی و جمالت سوگند، اگر پوست من توان عذاب و تحمل انتقام تو را داشت از تو نمی خواستم که بعد از این رسواییهای بزرگ و زشتیهای فراوان از من درگذری ، بلکه - بخاطر خشمی که بر خود دارم که چگونه با خود بدی نموده ، بدنبال خواهشهای نفسم بوده و بخاطر فرمانبرداری از آن به تو پشت نمودم - از تو می خواستم مرا شکنجه و عذاب نمایی و به سیه روزی و بدبختی خود رضایت می دادم . ولی ، مولای من ! عفو تو آنقدر طولانی و پوشش دادن تو، به زشتیهای ما آنقدر زیباست که شورشگران پستی مثل من را عادت داده که بعد از این جرایم ، توقع نجات و پوشش این جرایم را داشته باشند. از اینکه در این دنیای تنگ و دور از لطف و عوالم نزدیکی خود این همه بردباری ، پوشش و کرم گسترده داری - تا این حد که شامل ما نیز شده است - می فهمیم این امور در عوالم آخرت - که آن را سرای کرامت خود قرار داده نشانه های عظمت تو در آن آشکار بوده و نورهای جمالت در آن درخشیده اند - خیلی بیش از این دنیا وجود دارد. پس تو را به عفو بزرگ ، رحمت گسترده و چشم پوشی زیبایت سوگند می دهیم ما را از این گرفتاریها و مهلکه ها نجات دهی .

گرچه گناهان ، ما را نزد تو بی آبرو و عیبها روسیاهمان کرده است ، ولی به سوی تو توسل می جوییم که با ما با عفو بزرگ و فضل قدیم خود رفتار نموده و در میان مردم ما را رسوا نسازی .

و همانگونه که در دنیا، با پوشانیدن زشتیهای ما از بندگان صالح خود به ما نیکی نمودی ، این پوشش را برای ما نگهدار. زیرا در تفسیر این صفت تو: ((جمیل الستر؛ پوشش زیبا)) آمده است که اعمال زشت بندگان را از آنها می پوشانی تا مبادا بر اثر شرمساری استفاده از نعمتهایت برای آنان گوارا نباشد. و درباره معنی این صفت تو، ((کریم العفو؛ عفو عالی)) شنیده ایم که گناهان را بخشیده و آنان را تبدیل به چند برابر نیکی می نمایی . پس بخاطر کرم و عفو به تو امیدواریم و بخاطر پوشش زیبایت آرزومندت می باشیم . و تو نزد خوش گمانی بنده ات به

خودت می باشی ، پس ما را از رحمتت مایوس نفرما و امیدم را از راءفتت قطع نفرما. و اگر حیای من در مقابل تو کم است ، تو به من رحم کن . دردی در قلبم است که کسی جز تو دواى آن را ندارد و به همین جهت مضطر به تو هستم ! و چه کسی جز تو مضطر را اجابت کرده و گرفتاری او را برطرف می کند! که جز با یاری خدای بلند مرتبه و بزرگ توان و نیرویی نیست . خداوندا! بر محمد و آل پاک او درود فرست .

کمیت و کیفیت افطار و سحری

مطلب دیگری که سالک باید در روزه خود رعایت کند، کمیت و کیفیت افطار و سحری است که باید چند مطلب را رعایت کند:

- (۱) در سحر و افطار به اندازه لازم و ضرورت بخورد. و در این مطلب خود را گول نزند.
- (۲) برای خدا تواضع نموده و از لذت بردن از غذاهای خوشمزه اجتناب نموده و هدفش از خوردن و آشامیدن فقط کسب نیرو برای عبادت باشد.
- (۳) بیشتر یا کمتر از آنچه شرع گفته گوشت نخورد زیرا زیاده روی در خوردن آن موجب سنگدلی شده و کم خوردن آن نیز موجب تقویت قوه غضب در انسان می شود. اندازه شرعی خوردن گوشت این است که بیش از سه روز خوردن گوشت را ترک نکند و هر روز نیز گوشت نخورد.

(۴) آداب غذا خوردن را رعایت کند.

مطلب دیگری که در روایت داشتیم این بود که کسی که نمی تواند روزه بگیرد بدل آن صدقه یا تسبیح است . ظاهر این مطلب این است که اگر نتوانست روزه بگیرد صدقه می دهد و اگر نتوانست صدقه بدهد تسبیح می گوید. ولی سید (ره) تسبیح را برای فقر و صدقه را برای غنی قرار داده است . بنابراین بهتر است فقیر علاوه بر تسبیح ، در صورت امکان صدقه نیز بدهد و

شخصی که فکر می کند فقیر است ولی در عین حال صدقه می دهد بهتر است تسبیحها را نیز بگوید.

نماز سلمان

سید (ره) در اقبال روایت نموده است که سلمان فارسی گفت : روز آخر جمادی الاخری در وقتی که پیش از آن هیچگاه در آن وقت به دیدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نرفته بودم ، به دیدنش رفتم . حضرت فرمودند: سلمان تو از ما اهل بیت هستی . نمی خواهی تو را از چیزی آگاه نمایم ؟ گفتم : چرا، می خواهم ، پدر و مادرم فدای تو، ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)!

- ای سلمان هیچ مرد مؤمن یا زن مؤمنی در این ماه (ماه رجب) سی رکعت نماز نمی گزارد که در هر رکعتی فاتحه الکتاب را یک بار، قل هو الله احد را سه بار و قل یا ایها الکافرون را سه بار بخواند مگر اینکه خداوند متعال هر گناهی را که در خردسالی یا بزرگسالی مرتکب شده ، برای او پاک کرده و مانند پاداش کسی که تمام این ماه را روزه گرفته به او عطا می کند، در نزد خداوند تا سال آینده از نمازگزاران نوشته شده و هر روز عمل شهادی از شهادی بدر برای او بالا می رود. و در عوض هر روز از آن که روزه می گیرد، عبادت یک سال برای او نوشته شده و هزار درجه بالا می رود. و اگر تمام ماه را روزه بگیرد خداوند او را از آتش نجات داده و بهشت را برای او قرار می دهد. ای سلمان ! اینها را جبرئیل به من اطلاع داد. و گفت : ای محمد این علامتی بین شما و منافقین است زیرا منافقین این نماز را نمی خوانند.

- ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا از چگونگی خواندن و زمان آن آگاه کن !

- سلمان ! در اول آن (رجب) ده رکعت بجا می آوری ؛ در هر رکعت سوره ((فاتحه)) یک بار و ((قل هو الله احد)) سه بار و ((قل یا ایها الکافرون)) را سه بار می خوانی و هنگامی که سلام

- نماز را - دادی ، دستهایت را (به دعا) بلند می کنی و می گویی : لا اله الا الله وحده لا شریک له ، له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء ۛ قدیر اللهم لا مانع اما اعطیت و لا معطى لما منعت و لا ینفع ذالجد منک الجدد سپس دستهایت را به صورتت بکش .

دنباله روایت در هنگام بیان اعمال وسط و آخر ماه خواهد آمد.

کسی که اسلام را تصدیق نموده و به پیامبر راستگو (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان دارد، حتما مشتاق عمل با مثال این عبادات - که اخبار رسالت پرده از ثوابهای زیاد آن که عقل از آن به شگفت می آید، برداشته - می گردد.

پرسش و پاسخ

اکنون این سؤال پیش می آید که آیا می توان در مورد عدم صحت سند این روایت بحث کرد یا نه ؟

جواب این است که به دو جهت درست نیست در مورد عدم صحت سند آن بحث نمود:

(۱) چیزی که این اندازه بزرگ و مهم باشد احتمال آن کافی است در حالی که صادر شدن این اخبار مظنون و مورد گمان بوده و از احتمال بالاتر است .

(۲) در روایات معتبر بسیاری آمده است که اگر کسی ثواب عملی را بشنود و بخاطر ثوابش آن را انجام دهد، خداوند آن ثواب را به او عطا می کند گرچه آن گونه نباشد که او شنیده است . بنابراین ، این اخبار معتبر هر عذری را از جهت سند قطع می کند.

و ای عاقل ! نهایت سعی و کوشش خود را بکار گیر. زیرا عقلا در بدست آوردن فواید بزرگ کسالتی از خود نشان نمی دهند. در مقابل تو روز بسیار ترسناکی است ؛ با ترسها و خطرهای بزرگ که در این روز نیازمندترین افراد خواهی بود! و چه می دانی شاید در این روز به یک کار

خوب احتیاج داشته باشی تا در موقع حساب کارهای خوب تو بیشتر بوده و با فضل خدا وارد بهشت شوی ولی همین یک کار خوب را نیافته و پدر و فرزندان نیز که عمر و مال و حتی دین خود را فدای آنان نمودی آن را به تو نمی دهند. ((روزی که مال و فرزندان سودی نمی رسانند.)) (۱۵)

مقدار ثواب اعمال نمایانگر ارزش آن اعمال است

ثوابهایی که در این روایات آمده سبب نمی شود که اهل فضل نتوانند در نیت خود، فقط شایستگی خداوند را در نظر گرفته و یا برای این دسته گفتن این ثوابها بی ثمر باشد. زیرا کسی که بخاطر شایستگی خداوند عبادت می کند، نه بخاطر پاداش ، با شنیدن این روایات می تواند مقدار محبوبیت این اعمال را نزد خداوند فهمیده و برای بدست آوردن رضایت او بیشتر تلاش کند.

ذکرها و دعا‌های این ماه

از کارهای مهم در این ماه ذکرها و دعا‌های وارد در این ماه است :

(۱) در تمام ماه هزار بار بگوید: استغفر الله ذالجلال و الاکرام من جميع الذنوب و الآثام . شیخ صدوق رحمه الله روایت کرده است : اگر کسی این ذکر را در رجب هزار بار بگوید، خداوند متعال می فرماید: اگر - گناهان شما را - نبخشم ، پروردگار شما نیستم پروردگار شما نیستم .

(۲) در تمام ماه سوره توحید را ده هزار بار بخواند. همچنین روایت شده که هزار بار بخواند. و روایت شده : ((کسی که هزار بار آن را بخواند روز قیامت عمل هزار پیامبر و هزار فرشته را می آورد. و هیچکس نزدیکتر از او به خدا نیست مگر کسی که بیشتر از او آن را خوانده باشد. و ثواب خواندن این سوره در رجب چندین برابر است.)) در روایت دیگری آمده : ((اگر کسی در

رجب صد بار آن را بخواند خداوند در بهشت دوازده کاخ با ((یاقوت)) و ((درّ)) برای او ساخته و یک میلیون عمل خوب برای او می نویسد. سپس می فرماید: بنده ام را ببرید و آنچه را که برای او مهیا نموده ام نشانش دهید - در اینجا - ده هزار نفر از کسانی که خانه های این شخص در بهشت به آنان سپرده شده می آیند و یک میلیون کاخ از ((درّ)) و یک میلیون کاخ از یاقوت سبز را برای او باز می کنند؛ کاخهایی که تمام آنها با ((درّ)) و یاقوت و زیورآلات و پارچه های زیبا زینت داده شده بگونه ای که کسی نمی تواند آن را توصیف کند و جز خدا کسی نمی تواند آن را تصور کند. هنگامی که آن را می بیند مات و مبهوت می شود و می گوید: این برای کیست آیا برای پیامبران است ؟ به او گفته می شود اینها مال تو است بخاطر خواندن ((قل هو الله احد)).

(۳) در این ماه هزار بار خدا را تسبیح کند. در روایت آمده است کسی که چنین عملی را انجام دهد خداوند صد هزار عمل خوب برای او نوشته و صد کاخ در بهشت برای او می سازد.

(۴) در تمام این ماه هزار بار ((لا اله الا الله)) بگوید. روایت شده است کسی که در این ماه این عمل را انجام دهد، خداوند برای او صد هزار حسنه نوشته و صد شهر برای او در بهشت می سازد.

(۵) در این ماه صد بار بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له و اتوب الیه و اگر پس از آن صدقه بدهد خداوند او را مورد رحمت قرار داده و گناهان او را می آمرزد. و کسی که چهارصد بار بگوید خداوند پاداش صد شهید را برای او می نویسد.

(۶) در تمام ماه با پیروی از امام سجاد (علیه السلام) در سجده خود این ذکر را بگوید: عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک .

(۷) صبح و شب و بعد از هر نمازی بگوید: یا من ارجوه لكل خير و آمن سخطه عند كل شر، یا من يعطى الكثير بالقليل یا من يعطى من سئله یا من يعطى من لم يسئله و من لم يعرفه تحننا منه و رحمه اءعطنى بمسئلتى اياك جميع خير الدنيا و جميع خير الآخرة واصرف عنى بمسئلتى اياك جميع شر الدنيا و شر الآخرة فانه غير منقوص ما اءعطيت و زدنى من فضلك یا كريم سپس با دست چپ محاسن خود را گرفته و انگشت سبابه دست راست خود را حرکت داده و گریه کند و بگوید: یا ذالجلال والاکرام یا ذالنعماء و الجود یا ذالمن حرم شیبتى على النار.

در اول این دعا می گویی : ((از خداوند امید هر چیزی داری . و از خشم او نزد هر شری در امانی)) و از جمله این خشمها مکر خداوند است و ایمنی از مکر خدا از گناهان بزرگ است . بنابراین از این مطلب غافل مشو و قصد تو از عبارت این باشد که بشرط ((توبه)) امید خیر داشته و خود را از خشم او در امان می دانی و گویا می گویی : ای کسی که برای بندگان خود راهی قرار داده که اگر از آن راه بروند از خشم او در امان می مانند. و آن راه همان توبه است . و این فراز دعا امنیت بالفعل از مکر خدا نیست . و همچنین گفتار تو که می گویی ((امید هر خیری را از او دارم)) گویا می گویی : ای کسی که برای بندگان خود راهی قرار داده است که اگر از آن راه بروند به هر چیزی که بخواهند می رسند. و این راه همان دعاست .

اگر انسان در این باره که چرا در این عبارت دعا ((اعطنى جميع خير الدنيا و جميع خير الآخرة ((کلمه جميع تکرار شد ولی در این عبارت ((واصرف عنى جميع شر الدنيا و شر الآخرة)) این کلمه تکرار نشده است بیندیشد، شاید به این نتیجه برسد که این اختلاف عبارت به این مطلب اشاره دارد که شر امری عدمی است - که همان دوری از رحمت خدا و محرومیت از بخشایش الهی است - ولی چون خیر امری وجودی می باشد، گویا انواع آن بشمار است . ولی اینکه چرا

((جميع شر الدنيا؛ تمامی شرهای دنیا)) در دعا آمده گویا به این جهت است که شرهای دنیا برای همه مردم معلوم نیست .

دعا با تمام وجود

بدان که به کمال اجابت و خیر دعا نمی رسی مگر اینکه باطن و روح و قلب تو نیز متصف به صفات دعا باشد و اتصاف به صفات دعا این است که باطن و روح و قلب تو دعا کند مثلاً وقتی می گویی : ارجو که لکل خیر (امید به تمام خیرات از جانب تو دارم) با باطن و روح و قلبت امیدوار به خدا باشی . و هر کدام نیز آثاری دارند که باید در عملت نمودار شوند. کسی که امید در باطن و روح او بوجود آمده باشد گویا تمامی وجودش امید و زندگیش همراه با امید است . و کسی که با قلبش امیدوار باشد اعمالی که با اختیار و تصمیم انجام می دهد به همراه امید خواهد بود. بنابراین بپرهیز از این که امید در هیچ جنبه ای از جنبه هایت پیدا نشود. اگر می خواهی بینی که رجاء و امید در تو هست به کارهایت نگاه کن بین آیا در حرکاتی که از تو سر می زند، اثر آن که همان طلب و خواستن است را می بینی یا نه . فرمایش معصوم (علیه السلام) را شنیده ای که فرمود: ((کسی که امید به چیزی داشته باشد آن را طلب می کند)) و واقعاً چنین است زیرا اگر در حالات امیدواران اهل دنیا در امور دنیوی بنگری ، می بینی آنها اگر از شخص یا چیزی امید خیری داشته باشند، به اندازه امیدشان آن را از آن شخص یا آن چیزی که به آن امید دارند، طلب می کنند. مثلاً تاجری که تجارت کرده و کارگری که کار می کند همه و همه به این جهت است که خیر و خوبی را در تجارت و کار می بینند. و همچنین هر گروهی خواسته های خود را از جایی که امید دارند طلب می کنند و تا رسیدن به آن از پای نمی نشینند. ولی اکثر امیدواران بهشت و آخرت و فضل و کرامت خدا چنین نیستند و بهمین علت هیچگاه هم به آرزوی خود نمی رسند. زیرا اگر امید به این امور داشتند، طبق

قانون فوق در پی آن می رفتند. و بهر اندازه امید در انسان پیدا شود، به همان مقدار نیز اثر آن که همان طلب است بوجود می آید.

سایر مضامین دعا مثل تسبیح ، تهلیل ، تحمید، تضرع ، خضوع ، ترس ، استغفار و توبه نیز همینطور است . زیرا گاهی حقیقت این صفات در انسان بوجود می آید و گاهی فقط آن را ادعا می کنیم ولی فقط زمانی آثار آنها آشکار می شود که حقیقت آنها بوجود آمده باشد. و اگر اثر آنها محقق نشد باید بدانیم که ادعایی بیش نبوده است مثلا اگر گمان می کنی در باطن و با روح و قلبت خدا را تسبیح می کنی و او را نیز از تمام نقائص منزّه می دانی ، چرا به وعده او در مورد رزق خود مطمئن نیستی در حالی که او رزق تو را تضمین نموده است . و زمانی که او را از شریک منزّه می دانی چرا از اطاعت او از دیگران می ترسی ؟ و در طاعت دیگران و سرپیچی از فرمان او، از او نمی ترسی ؟

بلکه اگر واقعا می دانستی که خداوند دعای تو را شنیده و باطن تو را مانند ظاهر تو می بیند و تو پرورش یافته و تحت اراده او هستی و او می تواند تو را پاداش داده یا مجازات نماید، تو را نجات داده یا هلاک کند و تو را قبول یا رد کند، حداقل از گفتن دروغ و ادعاهای پوچ می ترسیدی . بنابراین کسی که مراسم بندگی را اظهار می کند ولی در باطن اینگونه نباشد و خودش هم این را بداند، مردم می گویند، او مشغول مسخره کردن است نه عبادت ولی غالبا چنین نیست زیرا عبادت کننده معمولا از باطن خود غافل بوده و بهمین جهت عبادت خود را عبادتی واقعی و غیر صوری پنداشته و نمی داند که فریب خورده است . بهمین جهت از دسته مسخره کنندگان خارج و وارد گروهی می شود که خداوند درباره آنان فرموده است : ورشکسته ترین افراد از حیث عمل کسانی هستند که می پندارند کارشان خوب است .

.....

(۸) از دعاهای هر روز ماه رجب دعایی است که در اقبال از امام صادق (علیه السلام) روایت نموده است که حضرت در جواب معلی - که از او درخواست کرد دعایی به او بیاموزد که جامع تمام چیزهایی باشد که شیعه در کتب خود گرد آورده است - فرمودند: ای معلی! بگو: ((اللهم انی اسئلك صبر الشاکرین لک ...))

(۹) دعایی دیگر دعایی است که باز هم در اقبال از شیخ طوسی در باب دعاهای هر روز ماه رجب روایت کرده است و آن دعا این است: ((یا من یملک حوائج السائلین ...))

(۱۰) این دعا را نیز در اقبال روایت نموده است: ((اللهم انی اسئلك بمعانی جمیع ما یدعوک به ولأه امرک ...)) و این دعایی است با مضامین عالی که درهایی از علم برای اهلش از آن گشوده می شود.

(۱۱) و از دعاهای مهم دعایی است که بنابر روایت شیخ، امام و آقای ما - جان ما و تمام جهانیان فدایش و درود خدا بر او باد - آن را در مسجد ((صعصعة)) خوانده است. دعای گرانقدری که با ((اللهم یا ذالمنن السابغة)) شروع می شود.

(۱۲) از دعاهای مهم دعاهایی است که ((ابن ابی عیاش)) بنابر آنچه در اقبال است از توقیع مبارک امام عصر (عج) روایت نموده است.

(۱۳) نیز از کارهای مهم در این ماه زیارت امام حسین (علیه السلام) در اول و وسط ماه است.

نمازهای این ماه

نمازهایی که در شبهای این ماه وارد شده است را نباید بطور کلی ترک نمود بلکه نمازهای آسان آن را که وقت زیادی نمی گیرد و انسان را از تحصیل علم و سایر اعمال باز نمی دارد باید خواند. و سالک به همین منوال عمل کند تا ایام بیض. و در شبهای ((ایام بیض)) باندازه نشاط و حال خود نمازها را زیاد کند.

.....

در شبهای ایام بیض نمازی را که در آن سوره ((یس))، ((تبارک)) و ((قل هو الله احد)) خوانده می شود بخواند. این نماز در اقبال از ((احمد بن ابی العینا)) از امام صادق (علیه السلام) روایت شده و فضیلت زیادی نیز برای آن نقل شده است .

و بهتر است در دو شب اول ایام بیض بعضی از نمازهای مختصری را که برای این دو شب روایت شده است ، خوانده و در شب پانزدهم نمازی را که در اقبال از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است بخواند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: ((در شب نیمه رجب ، دوازده رکعت نماز می خوانی در هر رکعت حمد و سوره ای خوانده و موقعی که از نماز فارغ شدی سوره ((حمد))، ((معوذتین))، ((اخلاص)) و ((آیه الكرسی)) را هر کدام چهار بار می گویی : سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر سپس می گویی الله الله ربی و لا اشرك به شیئا ما شاء الله و لا قوة الا بالله العلی العظيم .

اگر توقیفی بود در شب سیزده و چهارده ماه نیز به عبادات همیشگی خود اضافه کرده و همانگونه که درباره احیای شب اول گفتیم ، بخاطر مراقبت این شب را تا صبح به عبادت بپردازد و سه روز ((ایام بیض)) را روزه بگیرد.

سیزده رجب

بزرگی این روز بخاطر ولادت خاتم الاولیاء و سرور اوصیا، برادر رسول ، همسر بتول و شمشیر کشیده خدا، امیرالمؤمنین (علیه السلام) می باشد. و عقل حکم به مقام بسیار بزرگ این روز می کند که با هیچ زبان و قلمی نمی توان آن را بیان نمود. حق اوقات و روزها و بزرگی آن با مقدار ظهور الطاف خدا در آنها اندازه گیری می شود. نور ولایت خاتم اولیاء که شرط و رکن ایمان بلکه روح و خود ایمان و مانند جزء آخر علت تامه ایمان و اسلام است در این روز ظاهر شد و این نعمتی است که عقلهای معمولی نمی تواند ارزش آن را درک کنند. زیرا نمی توانند

همه نور و کرامت و درجات قرب سرای جاوید آخرت و لذت لقاء و همنشینی با ساکنین ((ملاء اعلی)) و تمام نعمتهای سرای باقی را که خداوند آنها را برای اهل ولایت و ایمان آماده نموده است را بفهمند.

گوشه ای از فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام)

اگر شمشیر امیرالمؤمنین نبود، کفار، مسلمین را از بین برده ، و ستونی برای اسلام باقی نمی ماند. کارهای او در روز بدر و حنین را به یاد آورده و درباره فرمایش رسول راستگو و امین بیاندهش آنجا که فرمودند: ((تمامی اسلام به جنگ تمامی کفر رفته است)).

دوست ، فضایل او را به خاطر تقیه و دشمن به خاطر بخل پنهان داشت ولی با این وجود فضایل او در شرق و غرب عالم پخش شد. اوست ((نبا عظیم))، ((صراط مستقیم))، ((قرآن کریم))، ((امام مسلمین))، ((امیرالمؤمنین))، ((جانشین رسول پروردگار جهانیان))، ((پیشوای رو سفیدان))، ((نور آشکار خدا))، ((در درخواست از خدای جهانیان))، ((سیمای خدا در میان تمام اولیایش))، ((نشانه بزرگ))، ((دریای بزرگ))، ((بت شکن))، ((شکافنده سرهای دشمنان))، ((نور کامل خدا))، ((نابود کننده کفار))، ((در هم کوپنده بدکاران))، ((معدن اسرار))، ((نور انوار))، و ((مولود کعبه))، و اوست ((اصل قدیم))، و ((فرع کریم)) و ((امام بردبار)) و اوست ((رشته محکم خدا)) و ((سرپرست دین)) اوست ((صاحب نشانه های روشن و معجزه های آشکار و درخشان)) و ((نجات دهنده از نابودی)) کسی که خداوند در آیه صریح خود از او یاد نموده است : و انه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم اوست ((برادر تنی رسول))، ((همسر بتول))، ((شمشیر کشیده خدا)) و ((گوش شنوای او)) اوست ((نگهداری شده از گناهان))، ((پاک شده از بدی و از عیب و تهمت))، ((برادر و جانشین رسول صلی الله علیه و آله و سلم))، ((کسی که شب در بستر او بسر برد و جان خود را برای او بخطر انداخت

((کسی که با جان خود او را یاری می کرد)) و ((کسی که اندوه را در چهره او از بین می برد)).

کسی که خداوند او را شمشیر نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و نشانه ای برای رسالتش و شاهی بر امتش و بردارنده پرچم لشکرش و حافظ جانش و دستی پرتوان برای او و تاجی برای سر او و دری برای سر او و کلیدی برای پیروزی او قرار داد. و اوست ((اسم اعظم خدا))، ((قرآن اکرم))، ((خانه کعبه))، ((صفا)) و ((زمزم))، ((صاحب عصا و نشانه))، ((مظهر عجایب و غرایب))، ((ستاره درخشان))، ((پراکنده کننده لشکر)) و ((مرکز دایره مطالب علمی)) اوست ((پدر امامان))، ((احیاگر دین))، ((از بین برنده غصه ها))، ((سرور امت))، ((همت بلند))، ((مالک برگزیدگان)) و ((پنجمین نفر اصحاب کساء))، ((حمل کننده بیرق))، ((نقطه باء بسم الله ...)) و ((رفیق پیامبران)) اوست ((معلم جبرئیل))، ((امیر میکائیل)) و ((حاکم عزرائیل)) اوست ((تقسیم کننده طوبی و سقر)) و ((پدر شبیر و شبر)) اوست ((سرور بشر و کسی که نپذیرد کافر است)) اوست ((پناهگاه پناه جویان))، ((فریادرس بیچارگان و حاجتمندان))، ((حاکم روز قیامت))، ((محبوب پروردگار))، ((حجت خدا بر اولین و آخرین))، ((زندگی جهانیان و نور آنان)) اوست ((سر اسرار))، ((نور انوار))، ((امام پاکان و امیر مومنان))، ((ولی جبار))، ((نعمت خدا بر نیکوکاران و انتقام او از بدکاران))، ((مانند پهلوی خدا و صورت نورانی و نفس وفادار او)) و ((امام ابوالحسن علی (علیه السلام))). بنابراین دوستان او باید روز میلاد او را از شریفترین روزها دانسته و آن را عید بزرگ قرار دهند و بگونه ای شکرگزاری نمایند که هیچکس از امت پیامبران گذشته و دوره های سابق چنین شکرگزاری ننموده باشد. زیرا آنان هیچگاه چنین نعمتی را نداشته اند. و شیعیان نیز باید با شکری به استقبال این روز بروند که بالاتر از آن شکری نباشد زیرا نعمتی در این روز آمده که تمام

نعمتها در مقایسه با آن کوچک است اگر انسان عقل را از حکم کردن و حاکمیت بیندازد، دیگر برای او هیچ چیزی حکمی ندارد و تکلیفی برای او نخواهد بود. و انسان مانند چهارپایان خواهد بود که می خورد، لذت می برد و مواد زائد بدن را دفع می کند تا مرگ او فرا برسد. اما اگر عقل را حاکم حرکات و سکنت خود قرار دهد، عقل او در مورد هر چیز و هر مطلبی حکمی واقعی یا فرضی دارد. و همیشه همینطور است. و ذره ای نیز از حکم کردن نمی ماند. هر چیزی را که بفهمد نیز از این جهت که آن را نمی فهمد در مورد آن حکمی دارد. بنابراین اگر عاقل بفهمد که سروری از اولیاء خدا باعث شده که او از عذاب و مجازات بزرگی نجات پیدا کند، عقل حکم می کند که باندازه این فایده از او تشکر کند. در حالی که در دنیای قبل از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نورهای هدایت در دریای گمراهی محو شده، آفتاب دین در تاریکیهای گمراهی، گرفته شده و ماههای نورانی دین پشت ابرهای گمراهی قرار گرفته بود و بازار علم کساد و عقلها فاسد شده بود تا جایی که بازاری برپا کرده و بزرگان به داشتن صفات و حالات چهار پایان افتخار کرده و دروغ و ادعاهای بی اساس و پوچ را از کارهای بزرگ و عالی می دانستند. کارشان به جایی رسیده بود که چوبهایی تراشیده و سنگهایی ساخته، آنها را عبادت کرده و آنها را به منزله پروردگار عالم و خالق مخلوقین قرار داده بودند. و برای عبادت به آن سجده می کردند و از روی نادانی پرستشگاههایی را برای آن بوجود آورده بودند و با این کارها سزاوار نابودی دائمی و شکنجه جاوید شده و با کفر خود به آتش جهنم و عذابی دردناک نزدیک شده بودند و با انحراف و پیروی از هوای نفس، باعث خشم خدای رحمان شده و با ستم و کوریشان آتش جهنم را برافروخته بودند، و چه آتشهایی که بر قبرهایشان روشن ننموده و چه نورهایی را که برای خود به تاریکی تبدیل نکرده و چه

ستمهایی را که به خاطر نادانی جزو عادات و رسوم قرار ندادند. و چه آسیبهایی را که بخاطر حماقت خود متحمل نشدند.

با ستم خود شهرها را خراب و بندگان را هلاک نمودند. از شهوات پیروی کرده و نماز را از بین برده ، از طاعت خدا خارج شده و دختران را زنده بگور، پیوندها را بریده و با مالک زندگی و مرگ دشمنی و با پیامبران مخالفت کرده و سزاوار بدترین هلاکتهای شده بودند. و در چنین شرایطی خداوند متعال رسولش را فرستاد تا پرچمی برای هدایت بوده و کتاب را بر او فرستاد و او نادانی ها را با آن از بین برده و هدایتها را انتشار داد و کمالات را با آن کامل و نماز را با آن زنده و گمراهیها را با آن از بین برده و عقلها را با آن جمع و علوم را با آن کامل و نور را با آن تمام کرد؛ تا جایی که مردم را به راه راست هدایت کرده و آنان را در مسیر هدایت قرار داد. رسولی که نور و کتابی آشکار از جانب خدا آورد؛ کتابی که ((خداوند با آن کسانی را که در پی بدست آوردن رضایت او باشند، به راههای سلام هدایت نموده ، با اذن خود آنان را از تاریکیها به نور برده و به راه راست هدایت می کند.)) شریعت کاملی را ایجاد و حکمت نافذی آورد تا جایی که برای تمام حرکات و سکنات انسان احکام خاصی را که انواع حکمتها و مصالح در آن لحاظ شده بود، بیان کرد. و برای امت خود تمام چیزهایی را که آنها را به خدا و بهشت نزدیک و از جهنم دور می کند، حتی ((دیه خراش)) را بیان کرد. و از هیچ چیزی و هیچ حالی خواه کلی باشد یا جزئی پست یا مهم ، بزرگ یا کوچک نگذشته ، مگر اینکه برای آن احکامی مطابق با حکم خداوند حکیم با اقتضای حکمت نافذش - که عقل و اندیشه حکیمان به کنه آن نمی رسد - قرار داده است . و بدین ترتیب شریعت کامل و تمام و جامعی شامل حکم ظاهر و باطن و تدبیر دین و دنیا آورده است تا جایی که برای پست ترین حالات انسان که تخلی است نیز احکام و مصالح و پندها و ذکرها و دعاهایی بیان کرده که عاقل در حیرت فرو رفته و عقلها در

شگفتی می افتند مثلاً در هنگام ورود به مستراح حکم کرده است که اول پای چپ را گذاشته - زیرا در جایی وارد شده که مناسب با پای چپ است - و هنگام خروج پای راست را مقدم کند - زیرا خروج از جای پست با پای راست مناسب است .

و خلاصه در زمان او و جانشینانش علومی پخش شد که شرق و غرب را پر می کند. علومی از قبیل فقه ، اخلاق و معارف و حکمت را در میان امت خود در مدت کمی کامل نمود بطوری که حکمت کسانی که قبل از او و در زمان طولانی بودند به آن مقدار نمی رسد. و شریعت و حکمت و نوری آورد که جهانیان را در مدت کوتاه عملهایشان به بالاترین درجات کمال و زیباترین جلوه های دوستی با خداوند متعال می رساند.

و اگر انسان نعمت بعثت را بهمین مقدار که بیان کردم ، بفهمد - گرچه آنچه را که گفتیم قطره ای از دریای حقایق بعثت نیز نیست - و بداند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برادر و وزیری بود مانند نسبت هارون به موسی - مگر این که بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبری نیست - و در شهر علم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و اسلام با شمشیر او برپا و هدایت با تعالیم او میسر بود و خداوند در کتابش او را به منزله نفس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی نموده و ولایت او را پایه ای برای اسلام و شرطی برای ایمان قرار داده بود، گوشه ای از بزرگی این روز را فهمیده و رایحه ای از بلندی مقام آن را استشمام می نماید. بنابراین باندازه شناخت نعمت شکر آن واجب می شود. از کارهایی که موجب شکر است بزرگداشت این روز با قلب و روح است . و کسی که مکانی را دارای مقام بلند یا زمانی را شریف بداند باید با او به اندازه شرفش معامله کند و اولین کاری که می کند این است که آن را ضایع نکرده و مهمل نگذارد. بلکه با تمام شرافتی که برای آن معتقد است با آن روبرو شود. و شرافتی بالاتر از شرف عبادت خدا

همراه با اخلاص نیست ؛ که این عبادت شامل روزه ، نماز، انفاق در راه خدا بزرگداشت حرمت و گرامیداشت شعائر الهی و زینت کردن با ذکر و فکر در باطن ، و شادی و سرور در صورت ، و لباس تمیز در پوشش ، و زیارت آن حضرت (علیه السلام) و عرض تبریک به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و به امامان بطور عمومی و به صاحب الزمان - ارواحنا و ارواح العالمین فداه - بطور مخصوص و ذکر گوشه ای از فضایل آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد.

و این روز را با آنچه درباره پایان بردن روزهای شریف گفتیم یعنی تسلیم اعمال به حامیان و نگهبانان روز برای اصلاح آن ، به پایان برساند.

روز پانزدهم و قسمت دوم نماز سلمان رحمه الله

از کارهای بسیار مهم در این روز خواندن ده رکعت از نماز سلمان محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) است . کیفیت این نماز همانطور است که در روز اول ماه خواند؛ ولی فرقی با روز اول این است که بعد از سلام هر دو رکعت نماز، دستهای خود را به دعا بلند کرده و بجای دعایی که در روز اول ماه گفتیم این دعا را می خواند لا اله الا الله وحده لا شریک له ، له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدير الها واحدا احد افردا صمدا لم یتخذ صاحبه و لا ولدا سپس دستهای خود را به صورتش می کشد.

این روز از روزهای مخصوص و شریف است : سرور ما در اقبال با استناد به ((ابن ابی عیاش)) روایت کرده است که گفت : ((حضرت آدم (علیه السلام) عرضه داشت خدای من ! چه روزها و اوقاتی را بیشتر دوست داری ؟ خداوند متعال به او وحی کرد: ای آدم ! محبوبترین اوقات پیش من روز نیمه رجب است . ای آدم ! در این روز با فرمانبرداری و میهمانی کردن ، روزه ، دعا، استغفار و گفتن ((لا اله الا الله)) به من به نزدیکی بجوی . ای آدم ! مشیت من بر این

تعلق گرفته است که یکی از فرزندان تو را - که مهربان ، کریم ، دانا، بردبار و بزرگ بوده و از بداخلاقی ، خشونت و تندخویی بدور است - به پیامبری برانگیخته و روز نیمه رجب را به او و امتش اختصاص دهم . در این روز چیزی از من نمی خواهند مگر این که به آنها عطا می کنم و از من بخشش گناهان نمی خواهند مگر اینکه آنان را می بخشم . روزی از من نمی خواهند مگر این که آنها را روزی می دهم . از من نمی خواهند جلو لغزششان را بگیرم مگر این که این کار را انجام می دهم . از من بخشش نمی خواهند مگر این که آنها را می بخشم . ای آدم کسی که روز نیمه رجب را روزه گرفته و ذاکر و خاشع بوده و از فرج خود محافظت نماید و از مال خود صدقه دهد، پاداشی جز بهشت نزد من ندارد. ای آدم به فرزندان بگو خود را در رجب حفظ کنند زیرا گناه در آن بزرگ است .*

بعد از اینکه عاقل فهمید این روز در نزد خدا چه ارزشی دارد، باید به خود رحم کرده و نگذارد این سرمایه بزرگ برای جبران حالت‌های سابق و کوتاهیها و تقصیرات گذشته ، از دستش برود. زیرا می تواند در یک روز گذشته و آینده خود را اصلاح کند. و باید مانند دوستی دلسوز به خود بگوید: چرا در این اندرز و نصیحت الهی تاءمل نمی کنی ! اندرزی که اگر به آن عمل کنی ، تو را از آتش جهنم و شکنجه دردناک رها و از تاریکیها به نور می برد. متوجه باش خدای بزرگ تو را به مجلس رحمت و امان و بخشش پادشان و سلطان و عطای خلعت‌ها و هدایا و اسناد فضل و امتیاز فرا خوانده و تو را در مجلس دوستان خود حاضر کرده و تو را برای رفاقت دوستان صمیمی و برگزیدگان خود برگزیده و در وعده های خود تصریح کرده که با استغفار تو را می بخشد. پس در استغفار کوتاهی نکن و بکوش در استغفارت صادق بوده و بپرهیز که استغفار را تبدیل به استهزاء نمایی . برای دعای تو وعده اجابت داده است . بنابراین به خواندن

الفاظ و کلمات دعا بسنده نکرده و حال دعا را نیز در خود به وجود آور. زیرا گاهی انسان فقط الفاظ دعا را می خواند و خیال می کند واقعا دعا کرده است .

مهمترین چیز در دعا شناخت خدایی که به درگاه او دعا می کنیم و امیدواری به اجابت اوست . اغلب مردم در شناخت خداوند دچار تنزیه صرف می شوند که ملازم با انکار خداوند است . عده ای نیز خیال می کنند خداوند چیز توخالی است که بر همه چیز احاطه داشته و در بالای ستارگان قرار دارد و بهمین جهت خدایی را که در مکان بالایی قرار دارد می خوانند یا گمان می کنند که خود و عالم بی نیاز و قائم به نفس هستند. خلاصه این که مهمترین چیز در دعا کامل نمودن شرایط آن است و کمال شرایط به این است که خداوند متعال را به طور اجمال و بگونه ای شناخته که در خور دعاکننده باشد. و این شرط را حتما باید دارا باشد. و هنگام دعا او را حاضر ببیند بلکه دعای خود را هم که بر زبانش جاری شده است از ناحیه خدا بداند؛ به او خوش گمان بوده و به اجابت او در صورتیکه مضمون دعا بصلاح باشد امیدوار باشد. در اول دعای خود تعدادی از اسامی جمالیه خدا یا آنچه با دعایش مناسب است را بگوید؛ مدح و ثنای الهی را بجا آورده و سپس هفت بار ((یا ارحم الراحمین)) گفته و به گناهان و عیوب خود و سزاوار نبودنش برای اذن در دعا و اجابت آن اقرار کند. سپس بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات بفرستد؛ به آنها متوسل شده و خداوند را در اجابت دعا به حق آنان قسم بدهد. و نیز مطلوب خود را جداگانه نگفته و آن را شرط یا قید یا صفتی برای صلوات آنان قرار دهد. بهتر است مثلا بگوید: بر آنها صلوات بفرست صلواتی که گناهان مرا بخاطر آن ببخشی . سپس دعایش را با صلوات و با گفتن ((ما شاء الله لا قوه الا بالله)) به پایان برساند. نیز هنگام دعا گریه کند گرچه اشک او به اندازه سر سوزنی باشد. و حتما تمام این مطالب را

چهار بار تکرار کند. زیرا خدا گدای لجوج را دوست دارد. و برای دعا شرایط دیگری نیز هست که در جای خود گفته شده .

خلاصه سالک باید اعتقاد به راستی وعده های خدای متعال را در خود تقویت نماید. و در مورد این وعده ها و بزرگی این سعادت فکر کند. و متوجه این باشد که این روز و این مقام محال است که دو بار در سال بوجود بیاید. و هیچ اطمینان و گمانی نیست که در سال آینده چنین روزی را درک کرده و بتواند تقصیرات خود در این روز را جبران نماید. و هنگامی که این توجه را در خود بوجود آورد، نخواهد گذاشت این روز بدون بهره از دست برود. بخصوص که شدت احتیاج خود را به مانند آن در بامداد فردا می بیند هنگامی که در پیشگاه پادشاه جبار برای حساب حاضر شود. روزی که بزرگتر از آن ، نیست . و اگر توانست باید دعای استفتاح را با شرایط آن بجا بیاورد و اگر نتوانست حتما دعای تنها را بخواند و امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند.

بهتر است چهار رکعت نماز و دعای پس از آن را که امیرالمومنین خواند، بخواند. دعایی که اول آن چنین است : ((یا مذل کل جبار!)) و سپس حاجات خود را بخواهد. و در طول روز بیاد داشته باشد که این روز از اموری است که مخصوص به این امت بوده و بخاطر این اختصاص و کسی که به خاطر او این اختصاص بوجود آمده است ، خدای را شکر نماید و بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل او بسیار صلوات فرستاده و دعای زیادی به آنها بکند. و روز خود را با آنچه روزهای شریف را با آن به پایان می رساند و بارها گفته شد، به پایان برساند.

سرور مراقبین (قدس سره) در اینجا توضیحاتی در مورد روایت دعای استفتاح داده و عنایات این رویداد مبارک و مراقبات با ارزشی را در این زمینه ذکر کرده است . برای توضیح بیشتر می

توانید به کتاب اقبال مراجعه نمایید. و حتما مراجعه نمایید زیرا فواید زیادی برای اهل آن دارد.
گرچه برای غافلین بی ارزش است .

بیست و هفتم رجب

بعد از روز پانزدهم به منزل دیگری از منازل رجب و شریفترین آنها بلکه شریف تر از تمام روزها و شبها، یعنی روز و شب بیست و هفتم رجب می رسیم .

شب بیست و هفتم

در کتاب اقبال از ((محمد بن علی الطرازی)) در کتابش از امام جواد (علیه السلام) روایت نموده که فرمودند: ((در رجب شبی است که برای مردم بهتر است از هرچه که خورشید بر آن تابیده است و آن ، شب بیست و هفتم است که پیامبر در صبح آن به پیامبری برانگیخته شد. اگر کسی از شیعیان ما در این شب عامل باشد مانند پاداش عمل شصت سال برای او خواهد بود - خداوند به تو شایستگی دهد گفتند: عمل در آن چیست ؟ فرمود: هنگامی که نماز عشا را بجا آورده و خوابیدی و بیدار شدی - قبل از نیمه شب باشد یا بعد از آن - دوازده رکعت نماز - بصورت نمازهای دو رکعتی - بجا می آوری و در آن دوازده سوره از سوره های کوچک مفصل (از سوره محمد تا پایان قرآن) می خوانی و هنگامی که دوازده رکعت نماز را خواندی و سلام دادی هفت بار سوره ((حمد))، هفت بار ((معوذتین))، هفت بار ((قل هو الله احد))، هفت بار ((قل یا ایها الکافرون))، هفت بار ((انا انزلناه))، و هفت بار ((آیه الكرسي))، می خوانی و بعد این دعا را می خوانی : الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبه و لا ولدا... و سپس هرچه می خواهی از خدا بخواه - زیرا چیزی نمی خواهی مگر این که اجابت می شود مگر این که گناه یا قطع رحم یا هلاک گروهی از مومنین را بخواهی .

و فردای آن را روزه می گیری زیرا روزه این روز ثواب یک سال روزه را دارد. و اگر مانعی پیش آمد که او را از این عمل باز داشت نمازی را که در شب نیمه رجب روایت کردیم بخواند زیرا آن نماز در این شب هم وارد شده است .

درک حق شب و روز مبعث

و مهمترین مطلب ، فهمیدن حق این شب و روز است . و این مطلب از آنچه درباره نعمت وجود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و نعمت بعثتش ، در روز ولادت امیرالمومنین (علیه السلام) گفتیم ، فهمیده می شود زیرا کسی بالاتر از رسول خدا نیست . او سرور تمامی مخلوقات و شریفترین و نزدیکترین آنها به خدا و محبوبترین آنها نزد خداست . اوست ((نور اول))، ((حجاب اقرب))، ((عقل اول))، و ((اسم اعظم)) و هیچ پیامبر و فرشته نزدیکی به خدا، نمی توانند به این صفات برسند و اوست رحمتی برای جهانیان . بنابراین باندازه شرف وجود او که شریفترین موجودات است و باندازه خیرات مبعث شریفش ، شرف این روز و نور و خیر و برکات آن بیشتر می شود. و بهمین اندازه حق شکر آن برای امت و شیعیانش در نزد عقل بیشتر می شود. ای عاقل ! فکر کن آیا آنچه را گفتیم قبول داری ؟ اگر قبول داری باید جدیت کنی و احتیاج به تشویق نداری . زیرا خیر خود بخود انسان را مجذوب می کند و اگر قبول نداری یا باید از عقاید اهل اسلام خارج شده یا خود و قلبت را اصلاح کنی تا ایمان پیدا کنی ولی گمانم این است که کوتاهی اغلب مسلمین در این موارد به جهت قبول نداشتن و بی ایمانی نیست - پناه بر خدا - بلکه بخاطر غوطه ور شدن در زیباییهای این دنیای پست و فریب خوردن از آن است . آنقدر سرگرم رقابت برای بدست آوردن مادیات شده اند که از این امور غافلند و تا دیدار قبر از این سرگرمی باز نمی ایستند. یاد دنیا دلهای آنان را از یاد خدایشان و فهم مبداء و معادشان باز داشته است .

.....

خلاصه سالک باید با تمام توان سعی کند این روز آنچنانکه باید بزرگ داشته شود و نعمت بعثت و نور و برکات و بزرگترین سعادت‌ها و خیراتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده است را آنگونه که باید، بفهمد. و اگر ببیند خوشحالی او در جشن و سرور دنیایی بهمین اندازه یا بیشتر است، باید پستی نفس و وارونگی قلب خود را اصلاح نموده و از صفات حیوانی و عالم طبیعت فاصله گرفته و خود را به عالم نور نزدیک نماید.

روز بیست و هفتم

از کارهای مهم در این روز، روزه، غسل، زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و زیارت امیرالمومنین با زیارت مخصوص و ارزنده ای که برای این روز وارد شده است می باشد. و همینطور نمازی که در کتاب اقبال روایت شده که قبل از ظهر خوانده می شود. این نماز دوازده رکعت است در هر رکعت حمد و هر سوره ای که توانستی می خوانی و بین هر دو رکعت می گویی: الحمد لله الذی لم یتخذ... و هنگامی که از نماز و دعا فارغ شدی ((حمد))، ((قل هو الله))، ((قل یا ایها الکافرون))، ((معوذتین))، ((انا انزلناه فی لیلۃ القدر)) و ((آیة الكرسی)) را هر کدام هفت بار می خوانی سپس هفت بار می گویی: لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله و هفت بار می گویی: ((الله الله ربی لا اشرك به شیئا)) سپس برای هرچه خواستی دعا می کنی.

و نیز از اعمال مهم در این روز خواندن دعاها زیر می باشد. که یکی با این عبارت ((یا من امر بالتجاوز)) و دومی با این عبارت ((اللهم انی اسئلك بالتجلی الاعظم)) شروع می شود. سید قدس سره در کتاب اقبال درباره ارزش نعمت بعثت توضیحاتی داده است که می توان به آن کتاب مراجعه نمود.

انسان باید در مورد ایام جاهلیت و دوره قبل از بعثت اندیشه کند و ببیند مردم به کجا رسیده بودند. عده ای یهودی ، عده ای مسیحی و عموم مردم بت پرست بودند. احکام اسلام را ترک کرده ، از اخلاق انسانی جدا شده و با خلق و خوی درندگی و صفات حیوانات خو گرفته بودند. کارشان به جایی رسیده بود که دختران را زنده بگور کرده و بدین طریق پیوندها را می بریدند. به چیزهای باطل افتخار کرده ، از عدل جدا شده و حقوق یکدیگر را از بین می بردند. قدرتمندان را بر ناتوانان مسلط نموده انسانهای شریف را از بین برده ، با علماء دشمنی کرده و از حکیمان وحشت داشتند. بساط علم را برچیده ، خوبی بردباری و علم را انکار کرده ، قطع رحم نموده و شبیه چهارپایان شده و قمار می کردند؛ شراب نوشیده عقل خود را زیر پا گذاشته و فرزندان خود را می کشتند. شهرها را خراب کرده نیکیها را فراموش نموده ، شریعتهای الهی را از بین برده ، سرمایه ها را نابود کرده و مرتکب کارهای زشت می شدند.

خودپسندی و تکبر در میان آنها رواج پیدا کرده و به بی صبری افتخار می کردند. فحشاء و منکرات را روش خود ساخته و سخنان باطل (مانند دروغ ، شهادت ناحق) می گفتند پیامبران را کشته و اولیای خدا را از میان خود بیرون می کردند. بدکاران را حاکم بر خود نموده و کسانی را که اصل و نسب درستی نداشتند اطاعت می نمودند. شیطان را عبادت ، خدا را بخشم آورده و آتش دوزخ را بر افروخته بودند. و در اثر این امور امواج خشم و غضب پروردگار به تلاطم آمده و نزدیک بود عالم نابود شده و تازیانه غضب خدا آنها را به جهنم براند. یا همانطور که مشغول کارهایشان هستند آنان را در هم کوبیده و نابود کند. چیزی نمانده بود که آتش بر آنان فرود آمده و آنان را بسوزاند. یا در زمین فرو روند یا باران سنگ بر آنها ببارد یا تبدیل به خوک شده یا به عذاب و مجازات و بلا و بدبختیهای دیگری گرفتار شوند که عنایت پروردگار برای تمام کردن حجت و کامل کردن رحمت شامل حالشان گردیده و خاتم پیامبران (صلی الله

علیه و آله و سلم) را با فضایی که گفتیم برانگیخت تا رحمتی برای جهانیان و نشانی برای هدایت باشد. آنها را از تاریکیها خارج کرده و به نور رساند. نادانی آنان را به علم ، گمراهیشان را به هدایت ، هلاکتشان را به نجات ، ستم آنان را به عدل و کم خردیشان را به عقل ، نیاز آنان را به بی نیازی ، ذلتشان را به عزت ، خرابیشان را به آبادانی و خواری آنان را به سلطنت مبدل نموده و کفرشان را به ایمان ، جهنمشان را به بهشت ، تاریکی آنان را به نور و ترسشان را به امنیت ، نومیدیشان را به امیدواری ، اسارت آنان را به رهایی و بندگی آنان را به آزادی تبدیل نماید.

در یک کلام برای آنها رسولی درس نخوانده و از خودشان برانگیخت تا آیات الهی را بر آنان خوانده ، آنها را تزکیه نموده و کتاب و حکمت را به آنان آموزش داده و آنان را از این گمراهی سخت نجات دهد.

مردم بعد از بعثت او چند دسته شدند:

گروهی برسالت و دعوت او کافر شده و سزاوار جنگیدن ، کشتن و شکنجه جاوید شدند. گروهی نیز در ظاهر اسلام را قبول نموده ولی در دل اسلام را نپذیرفته و منافق شدند. با اسلام ظاهری خون آنها محفوظ شده و احکام اسلامی در مورد مسلمانان در این دنیا در مورد آنان جاری شد. ولی در آخرت بجهت نفاق در پائین ترین طبقات جهنم جاوید هستند. و گروهی در ظاهر و باطن مسلمان شده و هم کار خوب و هم کارهای بد انجام دادند. این دسته ممکن است بدون رفتن به جهنم به بهشت بروند.

گروهی هم ، علاوه بر داشتن صفات گروه فوق عمل صالح انجام داده و کارهای خیر زیادی انجام دادند. پروردگار به این دسته بهشتیهائی که در آن نهلهایی جریان دارد، وعده داده است

. اینان هیچ عذاب و مجازاتی نمی بینند. خداوند گناهان آنها را بخشیده و بدیهایشان را به چند برابر خوبی تبدیل می کند.

و عده ای علاوه بر داشتن خصوصیات دسته قبل به منظور نزدیکی به خدای متعال به تزکیه نفس از اخلاق رذیله و آراستن آن به اخلاق عالی پرداخته که خدا نیز آنها را به خود نزدیک و مقام ارجمندی به آنان عنایت می کند.

و گروهی علاوه بر داشتن خصوصیات دسته قبل ، با فکر و ذکر و تلاش بسیار زیاد پروردگارشان را شناخته و آنگاه خالص از هر گونه شرکی ، او را یکتا دانسته ، او را دوست داشته و با بذل هر چه غیر اوست به او نزدیک شدند. و مشتاق دیدار او گردیدند. خداوند نیز آنان را بخوبی قبول و به خود نزدیک و تمامی حجابها را از آنها برداشت . جمال خود را به آنان نشان داد و آنان نیز با دیده و قلب بدون هر گونه حجابی آن را دیدند. آنان را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل او (علیهم السلام) ملحق نموده و در جایگاه صدق در کنار آنان و در نزد پادشاه مقتدر جای داد. آنانند سبقت گیرندگان و نزدیک شدگان ؛ دوستان پیامبران و شهدا.

بهر صورت کسی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را شناخته و نعمت بعثت و فواید و انوار و برکات و خیرات آن را درک کرده باشد، این روز را روز بزرگی دانسته خوشحالی و سرور و شکر او بخاطر آن بیشتر می شود. و کسی را که در این روز مبعوث شده زیاد ستایش نموده و بر او درود می فرستد و اعمالی را که لایق اوست به او هدیه می کند.

در آخر این روز نیز با تسلیم عمل و خواهش اصلاح آن ، به نگهبان این روز متوسل شده و با لطافت ، با آنان مناجات می نماید. زیرا لطافت سخن و عمل تاءثیر آن را افزایش می دهد.

روز آخر رجب و قسمت سوم نماز سلمان رحمه الله

مرحله مهم دیگری که در این ماه برای سالک وجود دارد روز آخر این ماه است .

از مهمترین اعمال این روز خواندن قسمت سوم نماز سلمان رحمه الله - که در مطالب روز اول شرح آن گذشت - می باشد. قسمت سوم آن نیز مانند دو قسمت پیشین ده رکعت است جز این که بجای دعاهای قبل بین هر دو رکعتی این دعا را می خواند: لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدير و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم .

در این روز باید در عرضه اعمال و عرض ناتوانی و کوتاهی خود تلاش نموده و همراه با اعتراف صادقانه و حیایی خالص و با وارد شدن از در فضل بزرگ او برای تمام حالات و اعمال خود چاره جویی نموده و آنان را اصلاح نماید. و با دوستان رو سفید خداوند به او متوسل شود. که او کریم بوده و کرامت را برای اولیا و بندگانی که بدنبال وسیله ای به در او آمده و محتاج به رحمت او هستند، دوست دارد. در کتاب خود آورده است : ((امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء؛ ای کسی که وقتی او را بخوانند بیچارگان را اجابت نموده و گرفتاریشان را برطرف می نماید.)) و باین جهت که او ((کریم العفو)) می باشد. و ((کریم العفو)) را به کسی که گناهان را بخشیده و آنها را تبدیل به چند برابر نیکی می کند تفسیر کرده اند. و باید در توسل و عرضه اعمال و عرض ناتوانی و کوتاهیها لطافت بخرج داده و مراقب باشد که مبدا با پایان ماه از حمایت مولای خود خارج شود. و به درگاه خدای متعال تضرع نماید که او را برای همیشه در حمایت خود قرار دهد و حمایت او در ماه یا حالت یا مکان خاصی نباشد. و باید در این جهت اهتمام داشته و از اهل غفلت نباشد.

فصل نهم : مراقبات ماه شعبان